نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال شانزدهم - شماره ۷۱۴- یک شنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۲ -۸ صفحه - ۵۰۰ تومان



دکتر محمد جواد حق شناس:

خسارت برخوردهای سلیقه ای برای اصحاب فرهنگ و هنر



استاندار شیرازی هرمزگان در معرض اتهام:

تجمع اعتراض آمیز هرمزگانی ها به طرح اتصال فارس به دریا

بوشهر در انتظار

مهندس تبادار

استاندار شایسته دولت تدبیر و امید

صفحه۸



سهم خواهی مخالفان روحانی در انتصاب استاندار دولت روحانی

امید به پایان بی نشاطی بهار فرهنگ و خفتگی دریای اقتصادی بوشهر

راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی آموزش و پرورش

صفحه ۵



نگاهی به فیلم مروا

مروای حوزه هنری و آرزویی برای صدا و سیمای بوشهر

صفحه۴



معرفی آزادشهرکی به عنوان شهردار بوشهر:
شهرداری جای بازی سیاسی نیست



آئین معارفه سعید آزادشهرکی در ساختمان مرکزی شهرداری و با حضور معاون عمرانی استاندار، مدیرکل دفتر فنی استانداری، فرماندار مرکز استان و اعضای شورای شهر و در غیاب سعید راستی شهردار سابق برگزار شد. شهردار جدید بوشهر بوشهر در این مراسم گفت: قانونگرایی را بیش از گذشته در شهرداری حاکم می کنم و در این زمینه با کسی تعارف ندارم. از همکارانم نیز می خواهم در این مسیر کوشا باشند.
آزادشهرکی در سخنان خود با بیان اینکه برنامه هایم موردپسند شورای شهر قرار گرفت و به این عنوان انتخاب شدم، ادامه داد: تلاش خواهم کردم برای اولین بار برنامه ای ۴ ساله به عنوان سند راه شهرداری تدوین کرده و با کمک فرمانداری آن را چکش کاری نموده و به شورای شهر ارائه کرده تا منابع مالی خود را براساس آن توزیع کنیم. آزادشهرکی با بیان اینکه نقش شهرداری به عنوان نهادی تاثیرگذار در حوزه فرهنگی مغفول مانده و با وجود تلاش های قبلی، هنوز راه درازی در این خصوص داریم، اظهار داشت: باید کمربندها و کفش هایمان را محکم بسته و در این مسیر حرکت کنیم. شهردار جدید بوشهر توسعه مشارکت مردمی را یکی دیگر از برنامه هاش عنوان کرد و ادامه داد: دست یاری خود را به سمت مردم و تمام سلیقه ها دراز کرده و دست هایی که خالصانه به سمت ما آید، ابتدا بوسیده و سپس برای همکاری می فشاریم. شهردار جدید بوشهر افزود: همین جا اعلام می کنم شهرداری جای بازی های سیاسی نخواهد بود و جای این اقدامات پشت در شهرداری می باشد. آزادشهرکی افزود: تمام سلایق پذیرفته شده در نظام جمهوری اسلامی را برای کمک به شهر دعوت به همراهی و مساعدت می کنم و به دور از سیاسی کاری، تنها دنبال خدمتگزاری به مردم می باشم.
پس از سخنان آزادشهرکی، حکم وزیر کشور برای وی قرائت شده و توسط رستمی معاون عمرانی استاندار به وی داده شد.

استاندار شیرازی هرمزگان در معرض اتهام:
تجمع اعتراض آمیز هرمزگانی ها به طرح اتصال فارس به دریا

اعلام الحاق استان فارس به دریا از طریق هرمزگان، باعث اعتراض مردم هرمزگان شد. موضوع الحاق فارس به دریا نزدیک به دو دهه است که به گوش می رسد. در طی این سالها مسئولان استان فارس قصد جدائی عسلویه از بوشهر و الحاق آن به استان فارس را داشتند که با مقاومت شدید مردم بوشهر روبرو شد، اما بعد از انتصاب یک شیرازی به عنوان استاندار هرمزگان این موضوع وارد فاز جدید شد و موضوع جدائی قسمتی از هرمزگان به الحاق آن به فارس کلید خورد که به نظر می رسد که در هماهنگی استاندار شیرازی هرمزگان با مسئولان استان فارس، این طرح مخفیانه با لطف احمدی نژاد در دولت دهم محقق شده باشد.
عزیزی استاندار کنونی هرمزگان که جدائی قسمتی از این استان در دوره استانداری وی رقم خورد، متولد فارس و فرماندار سابق شیراز بود که از سال ۹۰ به عنوان استاندار هرمزگان منصوب شد.
بعد از پخش خبر جدائی قسمتی از استان هرمزگان و الحاق آن به استان فارس اعتراضات گوناگونی صورت گرفت تا اینکه شماری از اهالی هرمزگان در تجمعی خودجوش و آرام مقابل ساختمان جدید استانداری، اعتراض خود را به انتزاع برخی روستاهای استان به منظور اتصال فارس به دریا اعلام کردند.
در این تجمع ، هیچ کدام از مسئولان





استانداری حاضر به حضور در میان معترضان و پاسخگویی به آنها نشده تا اینکه بیانیه مشترک مجمع نمایندگان هرمزگان در میان حاضران خوانده شد، بیانیه ای که در آن اعلام شده: «اطمینان می دهیم با پیگیری های صورت گرفته، طرح انتزاع بخشی از هرمزگان متوقف گردیده، از این رو به تجمعات پایان داده شود تا از سوء استفاده فرصت طلبان جلوگیری به عمل آید.»
تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خطاب به نمایندگان، وزیر کشور و رئیس جمهور خواستار احقاق حقوق خود شدند. آنها همچنین با سر دادن شعارهایی خواستار موضع گیری صریح استاندار هرمزگان در این ماجرا شدند.
آنها در حالی از استاندار فعلی می خواستند که موضع گیری شفافی n اشته باشد که پیش از این محمد آشوری نماینده هرمزگان در مجلس گفته بود که ابراهیم عزیزی از موضوع انتزاع بخش هایی از هرمزگان اطلاع داشته و دیگر دست اندرکاران استان را در جریان قرار نداده است. همچنین وی بدون هماهنگی آنها، اقدام به تشکیل شورای تامین کرده و شرایط را برای عملیاتی کردن انتزاع بخش هایی از هرمزگان مهیا اعلام نموده است.

نماینده هرمزگان از توقف مصوبه اتصال استان فارس به دریا خبر داد

نماینده مردم غرب هرمزگان در بهارستان از توقف موقت مصوبه شورای عالی ملی مبنی بر جداسازی پنج روستا از پارسیان و الحاق ان به استان فارس خبر داد.
احمد جباری در گفت و گو با ایسنا، گفت: با پیگیری های نماینده ولی فقیه در هرمزگان و نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی و به دنبال دیدارهای متعدد آنها با مقامات و مسئولین رده بالای کشوری و انتقال نگرانی های مردم استان از بابت ابلاغ مصوبه الحاق مناطقی از هرمزگان به استان فارس، بالاخره عصر دیروز (۱۵ مهر ماه) دستور توقف موقت این مصوبه صادر شد.
وی علت این توقف موقت را بررسی بیشتر این مصوبه دانست و عنوان کرد: نمایندگان مردم هرمزگان در جلسات متعدد با مقامات دولتی خواستار بررسی مجدد مصوبه شدند.
جباری خاطرنشان کرد: طی روزهای آتی نیز جلساتی برگزار خواهد شد که متعاقبا نتیجه را به رسانه و مردم استان هرمزگان اعلام خواهیم کرد.

رئیس مجمع نمایندگان فارس:
حتی احتمال برگشت طرح الحاق فارس به خلیج فارس نمی رود

به گزارش خبرنگار شیرازه، الیاس طاهری رئیس مجمع نمایندگان فارس در مجلس شورای اسلامی درباره الحاق فارس به خلیج فارس گفت: قطعا این طرح به نفع کشور است و استان فارس به دلیل اینکه از یک جایگاه استراتژیک برخوردار است و استانی پشتیبان برای تامین امنیت مرزهای جنوبی کشور به شمار می رود باید به خلیج فارس می پیوست.
وی افزود: این طرح بر اساس یک عقلانیت و به بهره گیری از سال ها بررسی و مطالعه مصوب شده و کاملا پخته و سنجیده است که می تواند در دراز مدت منافع بسیاری را برای کشور فراهم آورد.
طاهری درباره اعتراض برخی از نمایندگان هرمزگان به این طرح گفت: فکر نمی کنم کسی بتواند در این طرح خدشه ای وارد کند و حتی احتمال برگشت آن نمی رود.

تقدیر از یک خیّر به جهت تجهیز دبستان شهید رزمجو خارگ

نخ نیوز: علی قاسمی بخشدار ویژه خارگ و سید مهدی کازرونی سنگی رئیس اداره آموزش و پرورش خارگ طی مراسمی از خیّر مدرسه ساز، سعید حافظی، مدیر عامل شرکت توسعه پترو، مبنی بر تجهیز دبستان شهید رزمجو خارگ تقدیر نمودند. مدرسه شهید رزمجو که به همت مدیر عامل شرکت پایانه های نفتی ایران تاسیس و در ابتدای سال تحصیلی ۹۲ مورد بهره برداری قرار گرفته بود، با پیگیری های بخشداری خارگ و همکاری مهندس حسین زاده، و توسط مهندس حافظی تجهیز شد. تمامی این امکانات مبنی بر تجهیز این مدرسه، در هفته دولت خریداری و به مدیر مدرسه تحویل و مورد استفاده دانش آموزان قرار گرفت.

انتقاد امام جمعه جم از تاخیر در معرفی استاندار

امام جمعه جم به ضرورت رفع مشکل مسکن و اشتغال نابینایان شهرستان جم تاکید کرد. به گزارش فارس؛ حجت‌الاسلام محمد گنجی در خطبه های دوم نمازجمعه جم اظهار داشت: روز جهانی عصای سفید از مناسبت‌هایی است که در هفته آینده شاهد آن خواهیم بود و از مسئولان انتظار داریم از این مناسبت برای شناخت و رفع مشکلات نابینایان استفاده کنند. گنجی ادامه داد: شهرستان جم نابینایان زیادی دارد و مسئولان باید برای رفع مشکل اشتغال، معیشت و مسکن نابینایان این شهرستان تلاش کنند.
وی با انتقاد از تاخیر به‌وجود آمده در معرفی استاندار بوشهر گفت: هر چه تاخیر در معرفی استانداران وجود داشته باشد، سرعت اقدامات زیربنایی به‌منظور توسعه استان بوشهر کاسته می‌شود. گنجی تصریح کرد: استان بوشهر از مناطق تاثیرگذار کشور در عرصه انرژی و کشاورزی است و از این‌رو دولت‌مردان باید در ارتباط با انتخاب استاندار بوشهر با سرعت بیشتری عمل کنند.

عزم جدی شورای چهارم برای برخورد با نیروهای مازاد شهرداری
برزگرزاده: بدون اغماض با نیروهای مازاد برخورد کنید

عضو چهار دوره شورای شهر بوشهر با انتقاد از ورود برخی نیروها به شهرداری بدون اطلاع شورا، خواستار ارائه لیست تمامی پرسنل موجود در شهرداری شد.
به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ نصراله اسدی در نطق پیش از دستور خود در نشست علنی شورا، با بیان اینکه "در طی سالهای گذشته برخی نیروها بدون اطلاع شورا جذب قسمتهای مختلف شهرداری شده اند"، گفت: این موضوع باعث شده تا هزینه زیادی بر دوش شهرداری بیفتد و سکوت شورا نشان می دهد که اراده ای برای برخورد در این خصوص وجود ندارد. وی تأکید کرد: از رابط شورا و شهرداری می خواهم تا هرچه سریعتر نسبت به تهیه لیست نیروها و ارسال به شورا اقدام کند.
رئیس شورای شهر نیز ضمن گلایه از سرپرست شهرداری درباره نامه ارسالی شهرداری در خصوص درخواست شورا برای جذب دو نفر خدمتکار گفت: شورا خواستار جذب دو نفر خدمتکار بود، اما شما برایمان نامه ارسال کردید، این در حالیست که برخی قسمتهای شهرداری نیروهائی را جذب کرده اند.
عبدالخالق برزگرزاده با بیان اینکه "در ابتدای حضورمان در شورا تعهد دادیم که نیروئی جذب شهرداری نشود"، اظهار داشت: افراد تحصیلکرده خانه نشین شده اند و افرادی که سطح سواد پائینی دارند جذب شهرداری شده اند.
وی با اشاره به اینکه بررسی وضعیت تعدیل نیروهای شهرداری از خواسته های شهردار جدید نیز بوده است، خطاب به سرپرست شهرداری تصریح کرد: در برخورد با نیروهای اضافی اغماض نکنید و افرادی که به بهانه جایگزینی و آموزش استخدام شده اند را کنار بگذارید.زیبنده نیست که ما نامه ارسال کنیم و بگوئیم نیروها از طریق چه لابی هائی وارد شهرداری شده اند.

عالی بازدار رئیس کانون بازنشستگان آموزش و پرورش شهرستان بوشهر:
دولت باید به تمام تبعیض ها پایان دهد



– آقای بازدار! به عنوان نخستین پرسش از مهم ترین اهداف ونیز شرح وظایف کانون بگویید.
– بله، کانون دارای اهداف زیر می باشد:
۱– تلاش در جهت حفظ وافزایش منزلت اجتماعی بازنشستگان عضو کانون. ۲ – صیانت از حقوق مشروع آنان و سعی در بهبود معیشت و رفاه خانواده و بازماندگان اعضاء. ۳– فراهم آوردن زمینه ی لازم برای بهره وری از دانش وتجربیات و تخصص ارزشمند بازنشستگان ۴– تلاش در جهت ارتقاء سطح بهداشت و درمان اعضاء ۵– فراهم آوردن امکانات و تسهیلات استفاده از فضاهای فرهنگی و رفاهی مناسب برای تامین اوقات فراغت اعضاء و افراد خانواده آن ها از قبیل برپایی اردوهای زیارتی وسیاحتی.
– شما در چه وضعیتی کانون را تحویل گرفتید،داشته ها و عملکرد کانون چه بود؟
– پس از برگزاری انتخابات کانون و مشخص شدن اعضای جدید هیأت مدیره آن، وضعیت کانون را از گذشته تا آذر ۹۰ مورد بررسی قرار دادیم. امور مالی کانون مشکلات زیادی از نظر منابع و میزان درآمد و چند و چون هزینه شدن آورده ها داشت و ما با خلاً اسناد مالی مواجه شدیم. ناچار در مدت سه ماه به ساماندهی امور مالی پرداخته و از آغاز سال ۹۱ برنامه یک ساله ای را تنظیم کرده و تقریبا همه ی فعالیت ها را از نقطه صفر شروع کردیم .دوستان ما در ۱۲سال گذشته اقداماتی انجام داده بودند اما با توجه به اهداف کانون وانتظارات بازنشستگان، باید روش ها را تغییر داده و برنامه های جدیدی را تعریف می کردیم. دریافتی ما از مدیریت قبلی در مجموع ۶۵ میلیون تومان بود که آقای جهان افروزیان آن را طی سه چک و سه قسط به حساب کانون واریز کرد.
– البته آقای جهان افروزیان عضو هیأت مدیره فعلی نیز هستند.
– درست است. ایشان عضو بودند ولی برخلاف نظر ما دیگر در جلسات هیأت مدیره شرکت نمی کردند. در نتیجه طبق اساسنامه، آقای برکت که عضو علی البدل بودند به جمع هیأت مدیره اضافه شدند. ضمن این که آقای جهان افروزیان متأسفانه با حذف حق عضویت خود، کلاً از کانون خارج شده و البته دلایل این تصمیم خود را نیز برای ما بازگو نکردند.
– منابع درآمدی شما از کجاست ؟
– مطابق اساسنامه درآمد کانون از طریق جمع آوری هدایا، اعانات ، قبول وصیت ، وقف و نیز حق عضویت باید تأمین شود. ازاین موارد تا کنون فقط دریافت حق عضویت عملیاتی شده است. برای اجرای برنامه ها ناچار به صورت کتبی و یا با ملاقات حضوری، از مسئولان آموزش وپرورش استان و شهرستان خواسته ایم برای ارایه ی خدمات در شأن فرهنگیان، به کانون به عنوان یک نهاد مدنی متعلق به فرهنگیان کمک کنند. اما متأسفانه در ۱/۵ سال گذشته تا حال به علت تنگناهای مالی و اداری که کم و بیش تمام بخش های آموزش و پرورش کشور و استان با آن دست به گریبان بوده اند، کمک های اداره های یاد شده در سطح بسیار محدودی بوده است. ولی در مجموع از همدلی و همراهی آقای رضایی مدیرکل آموزش و پرورش استان بی نصیب نبوده ایم. شورای سوم شهر بوشهر نیز ۲ میلیون تومان به کانون کمک کرد. از طرف دیگر از دوره ی استاندار سابق مصوبه ای داریم که استانداری را ملزم به پرداخت کمک به کانون ها می کند ولی تاکنون این کار انجام نشده است. این مصوبه را در اختیار آقای جمیری قرار دادیم تا به عنوان عضو مجلس،موضوع را پیگیری نمایند.
– آیا کانون از کمک های مستقیم و غیر مستقیم مردمی نیز برخوردار بوده است؟
– بله، خوشبختانه ما مواردی از کمک های مردمی نیز داشته ایم. از جمله دو بار گشت دریایی ما که با رایزنی آقای دباش، از بازرسان کانون و مساعدت یکی از کارکنان شیلات به نام آقای بازدار– که البته با من نسبت فامیلی ندارد– و با کشتی آقای بن هلال از لنج داران جزیره ی شیف انجام شد. به علاوه یکی از اجتماعات شاد ما در باغ آقای پورمحمد واقع در جاده ی نیروگاه برگزار گردید و ایشان که خود نیز از معلمان بازنشسته ی بوشهر هستند، از کانون هزینه ی ورودی دریافت نکردند.
– برای درآمد زایی بیش تر چه برنامه هایی را در دست اقدام دارید ؟
–کانون با توجه به اساسنامه به طور مستقیم نمی تواند درآمد زایی کند ولی چون این کار از کانال تأسیس شرکت امکان پذیر است، اقدام به تاسیس شرکت تعاونی خدماتی آموزشی نموده ایم. در قالب شرکت مزبور، مجوز دو مرکز پیش دبستانی را گرفته ایم و به دنبال آموزشگاه علمی و کانون ریاضی نیز هستیم. سایر فعالیت های اقتصادی را هم در دست بررسی داریم. البته این طرح ها را با همکاری اعضای کانون دنبال خواهیم کرد.
– کانون در قلمرو مسایل فرهنگی وایجاد شادابی و نشاط میان معلمان بازنشسته چه برنامه هایی را تا کنون عملیاتی کرده است؟
– ما در سال ۹۱ و بهار ۹۲، بیش تر تلاش مان معطوف به بازسازی روانی و ایجاد شادابی و نشاط برای بازنشستگان آموزش وپرورش بوده است.برای تحقق این ایده، ۲۶۰ نفر به مشهد، ۷۰ نفر به جزیره کیش و ۸۸ نفر به همدان اعزام شدند. سه اردوی درون استانی در بهمن و اسفند ۹۱ و خرداد۹۲ با شرکت ۷۴۰ نفر بازنشسته همراه با خانواده شان برگزار کردیم. دوگشت دریایی در روز ملی خلیج فارس با حضور ۵۰۰ نفر فرهنگی بازنشسته و اعضای خانواده آنان داشته ایم. ما هم چنین برنامه ی عیادت از فرهنگیان بازنشسته ی بیمار داشتیم که در اغلب موارد، مدیر کل آموزش و پرورش استان نیز حضور داشتند. کانون تلاش می کند در ماه های آینده نیز چنین برنامه هایی را برای جنب و جوش بازنشسته ها عملیاتی کرده و از این طریق در حدی حتی اندک نسبت به این عزیزان ادای دین کنیم.
–عملکرد کانون در خصوص کمک های مالی به فرهنگیان و دادن وام به آنان چگونه بوده است؟
– براساس اسناد مالی که در کانون موجود است تا آبان سال ۹۰ مبلغ ۱۲۴ میلیون تومان به ۱۲۴ نفر وام پرداخت شده بود. از سال ۹۱ تاکنون اما به ۳۶۵ نفر مبلغ ۴۴۰ میلیون تومان از طریق صندوق قرض الحسنه کانون وام پرداخت شده است و ۵۵ نفر نیز به بانک صادرات، ۲۰ نفر به بانک ملی و ۱۲ نفر به بانک مهر ایران برای دریافت وام معرفی شده اند.در اقدامی دیگر سقف وام صندوق کانون را از یک میلیون به سه میلیون تومان رسانده ایم.
– با توجه به این که ماهانه نزدیک به پنج میلیارد تومان حقوق بازنشستگان وارد سیستم بانک صادرات می شود، در زمینه ی اخذ وام و دیگر مزایا از این بانک چه کارهایی انجام شده است؟
– در پایان سال ۹۱ با پیشنهاد به مدیرکل آموزش و پرورش استان و همراهی ایشان جلسه ای با آقای نامور در دفتر سرپرستی بانک صادرات تشکیل شد و طرح موضوع کردیم. ایشان هم همراهی کردند و در حال حاضر وام هایی در قالب سهمیه ی ماهانه به همه ی کانون های بازنشستگان مناطق آموزش و پرورش استان داده میشود، گرچه به نظرما این کافی نیست و انتظار داریم مسئولان محترم بانک صادرات با تخصیص تسهیلات کم بهره، حمایت بیش تری از فرهنگیان مولد و آموزگاران پرتلاش جامعه به عمل آورند.
– کانون گویا در کمک به آسیب دیدگان زلزله شُنبه نیز فعال بوده است؟
– بله، به محض وقوع زلزله با تماسی که با مدیرکل آموزش و پرورش داشتیم نیازهای اولیه ویژه ی دانش آموزان منطقه را اعلام کردند ما هم فوری پیامکی را برای بازنشستگان آموزش و پرورش ارسال نمودیم استقبال بسیار خوبی شد. بر اساس اعتمادی که داشتند کمک های نقدی و جنسی خود را به کانون تحویل دادند. حتی یکی از خانم های فرهنگی که دخترش در کانادا به تحصیل مشغول است و تمایل داشته که ۵۰۰ هزار تومان کمک نقدی خود به آسیب دیدگان زلزله را به گفته ی خودش به افراد مورد اعتماد بسپارد، به ما افتخار ارزانی کرده و مبلغ فوق را تحویل کانون دادند. هیأت مدیره کانون برای توزیع کمک ها، چند سفر به مناطق زلزله زده شُنبه داشتند و بنا به سفارش أکید بازنشستگان، شخصا کمک های نقدی و جنسی شامل البسه،کیف، کفش، نوشت افزار و مواد غذایی را به مدارس شنبه و روستای درویشی رسانده و تقدیم دانش آموزان کردند.
– به باور شما ارتقای کمی و کیفی عملکرد کانون نیازمند چه رویکردهایی است؟
– ارتقای کانون در هر استان مبتنی بر برنامه ریزی هیأت مدیره ، حمایت مسئولان ذیربط در هر استان و همراهی خود بازنشستگان است. چنانچه این عوامل خوب انجام وظیفه کنند می توان امیدوار بود که کانون بتواند در راستای تأمین سلامت جسمی، فرحناکی روحی،پویایی اجتماعی و تعالی معنوی که چهار نیاز اصلی انسان است قدم های موثری بردارد.
– در زمینه سلامت ودرمان بازنشستگان فرهنگی، چه انتظاراتی از مقامات مرتبط کشور دارید؟
– انتظار می رود بحث بیمه طلایی از مرزهای خدمات بیمارستانی فراتر رود. فعلاً بیمه ی خدمات درمانی و بیمه–ی مکمل نتوانسته اند به نیازهای درمانی معلمان بازنشسته پاسخ کافی دهند. .هرروز شکوه وشکایت از نحوه ی خدمات رسانی بیمه به سوی کانون روان است. ما وقتی به خدمات ارایه شده برای بازنشستگان کارکنان نهادها و ادارات دیگر نگاه می کنیم بازهم شاهد تبعیض و نامهربانی در مورد معلمان به عنوان مولدان نیروی انسانی مورد نیاز کشور هستیم و با این خدمات اندک، توقع هستی بخش بودن از او عقلانی به نظر نمی رسد. آیا برای ۷۳۰۰۰۰ بازنشسته و بیش از یک میلیون شاغل آموزش وپرورش نباید چند بیمارستان تخصصی وجود داشته باشند. امروز معلم بازنشسته ای ناله می کرد که برای عمل جراحی همسرم مبلغ ۸۰۰۰۰ تومان از بیمه گرفته ام اما ۴۵۰۰۰۰ تومان زیر میزی به پزشک معالج و ۱۰۰۰۰۰ تومان به متخصص بیهوشی داده ام . چه کسی جواب این ناله ها را می دهد؟ ما که در کانون دست مان به جایی نمی رسد اما فریادمان را می رسانیم. تا دیر نشده مسئولان باید فکری کنند.
– با روی کار آمدن دولت جدید ونیز وزیر جدید آموزش وپرورش، بازنشستگان به طور مشخص چه مطالباتی از رئیس جمهور و وزیر دارند و در این بین مجلس چه باید کند؟
– درخواست ما این است که: ۱– سلامت جسم وروان و بالندگی اجتماعی و معنوی ۷۳۰۰۰۰ بازنشسته ی فرهنگی به عنوان یکی از بزرگترین سرمایه اجتماعی، مورد توجه جدی قرار گیرد۲–در گفتار وسخنرانی های ریاست جمهور و همه ی وزرا به ویژه وزیر آموزش و پرورش و وزیر تعاون،کار و رفاه ،تکریم شخصیت آنان و عظمت این سرمایه اجتماعی مورد توجه وتأکید جدی قرار گیرد. ۳– طبق سند تحول نظام آموزش و پرورش دستور اجرای طرح جامع بازنشستگان آموزش و پرورش داده شود. ۴– با کمک های مادی و معنوی زمینه ی تدوین، چاپ و انتشار آثار برجسته ی بازنشستگان فراهم شود. ۵–در سفرهای احتمالی مقامات ذیربط به استان ها، امکان ارتباط با بازنشستگان صاحب نظر و استفاده از دیدگاه های آنان فراهم شود. ۶– انتخاب چهره های ماندگار آموزش و پرورش مورد توجه جدی قرار گیرد ۷– در پرداخت مطالبات سال های گذشته اقدام عاجل صورت گیرد، و در یک کلام به تمام تبعیض و نابرابری های موجود میان پاداش آخر خدمت و نیز حقوق و دیگر مزایای مستقیم و غیرمستقیم معلمان بازنشسته با سایر دریافت ها و امکانات دیگر حقوق بگیران بازنشسته ی دولت پایان داده شود.
– محل فعلی کانون در خیابان ورزش، هم سرراست نیست و هم فضای کوچکی دارد تلاش های شما برای انتقال کانون به بخش قدیمی دبیرستان سعادت به کجا رسید ؟
– ما با مذاکره شفاهی ودرخواست کتبی موضوع را با مدیر کل آموزش و پرورش استان در میان گذاشتم.گفتند: باید هیأت اُمنای مدرسه سعادت هم موافقت کند. با بیشتر اعضای هیأت اُمنای سابق گفت وگو کردیم مانعی وجود نداشت. ما تقاضای بخش کوچکی از بافت قدیم مدرسه درضلع شرقی را داشتیم که چند سالی پوشش انبوهی از خاک و... داشت و با وجود بازسازی آن، اما هرگز ندیدیم کسی از آن استفاده کند. تا این که در سوم شهریورماه جاری به اتفاق مدیر کل آموزش و پرورش استان و مدیر آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و تعدادی از اعضای هیأت اُمنای مدرسه که تقریبا مخالفتی نداشتند در حال بازدید از مکان مذکور بودیم که یک باره و با کمال تأسف با مخالفت حیرت آور یکی از اعضای سابق هیأت اُمنا که از مدیران اسبق دبیرستان سعادت نیز می باشد مواجه شدیم که چون شرح ماجرا ذهن و روان دوستان فرهنگی ام را خواهد آزرد، در این جا از بیان آن خودداری می ورزم. من باید در این مصاحبه تأکید کنم که از طرف پیش کسوتان و شناسنامه های فرهنگ بندر بوشهر مأمور به چنین درخواستی بودیم. می خواستیم در این مدرسه که از افتخارات استان بوشهر است کارگری کنیم و ضمن استفاده از ساختمان متروکه، فضایی شاد و دلپذیری را برای بازنشستگان بوشهر که خود عموماً دانش آموز این مدرسه بوده اندفراهم آوریم و هم با بازتولید زندگی دوباره برای این مدرسه ی ماندگار،آرزوی بسیاری از دوست داران این فضای فرهنگی محقق شود . بدبختانه بافت قدیم مدرسه سعادت رو به ویرانی است و سال ها انتظار می کشیدیم صاحبی پیدا شود ، ولی کاری انجام نشد حال که ما بازنشستگان پیشنهاد استفاده از این فضای به حال خود وانهاده را دادیم و انتظاراحترام و استقبال داشتیم. شاهد برخورد غیرمسئولانه ای کسی بودیم که هرگز انتظارش را نداشتیم. در این شرایط ما از مدیر کل محترم انتظار داریم منشا خیر شده و اجازه ندهند به خاطر مخالفت غیرمنطقی یک نفر، رأی اکثر اعضای هیأت اُمنا نادیده گرفته شده و اسباب دل چرکینی معلمان بازنشسته ی بوشهر گردد. لازم به ذکر است که سعادت از مدارس ماندگار کشور است و به صورت هیات اُمنایی اداره می شود .
– الان کانون دارای چند عضو است؟ فرهنگیان بازنشسته برای عضویت چه اقداماتی باید انجام دهند؟
– در استان بوشهر قریب به ۸۰۰۰ بازنشسته آموزش و پرورش داریم که ۲۶۰۰ نفر آن در شهرستان بوشهر هستند. در بدو فعالیت حدود ۹۵۰ نفر عضو داشتیم. از زمان فعالیت ما تاکنون ۲۷۰ نفر اضافه شده است و روند افزایش هم چنان ادامه دارد. بازنشستگان محترم با ارایه ی حکم بازنشستگی، کپی شناسنامه و کارت ملی و۲ قطعه عکس و با حضور در کانون می توانند برای عضویت اقدام کنند.
– آیا نظیر کانون مرکز استان در سایر مناطق استان کانون های فعال وجود دارد؟
– در کنگان ،دیر ،دشتی ،برازجان ،تنگستان،گناوه،دیلم، شبانکاره و سعدآباد کانون داریم اما با مشکلات فراوان وکمبود های فراوان تر دارند زحمت می کشند.در سال جاری سعی در ساماندهی و ارتباط بیش تر با آن ها داریم و تلاش می کنیم مطابق اساسنامه ی جدید برای فعالیت آن ها اقدام کنیم.
– کانون آن طور که مشاهده می شود حول و حوش توان موجود خود کارهایی را انجام داده است ولی این برنامه ها،در رسانه ها بازتاب چندانی نداشته است فکر نمی کنید بیش تر باید به این موضوع بها دهید؟
– می دانیم رسانه ها نقش زیادی در مطرح شدن و برجسته سازی کارها نزد افکار عمومی دارند. رسانه ها می توانند اولویت هایی را بر اساس فعالیت های اجتماعی نزد افکار عمومی ومسئولان ایجاد کنند و اهمیت موضوع را نزد مخاطبان بالا ببرند. ما علاقه مند به انعکاس فعالیت ها هستیم به همین منظور کانون تاکنون چند شماره خبرنامه–ی داخلی را انتشار داده که حاوی برنامه ها و کارهای بوده است اقبال روز افزون بازنشسته ها به کانون نشان دهنده نگاه مثبتی است که در بازنشستگان و نخبگان آموزش و پرورش نسبت به کانون ایجاد شده است. تقریبا با اکثر بازنشستگان ارتباط پیامکی داریم اما جای رسانه ها در انعکاس فعالیت های مان خالی می بینیم . البته توجه هفته نامه ی وزین نسیم جنوب و همت حضرت عالی جای تقدیر و تشکر دارد.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۷۱۴- یک شنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

سهم خواهی مخالفان روحانی در انتصاب استاندار دولت روحانی

خلیل موحد

۱. بحث در باره ی گزینه ی استانداری بوشهر این روزها در میان اغلب مردم استان بوشهر و به ویژه در بین اصحاب فرهنگ، دانش، رسانه، هنر و سیاست، نقل مجالس بوده و



به عنوان موضوعی داغ، کم و بیش به محور اصلی گفت و شنودهای درون استانی تبدیل شده است. در مورد گزینه ی کلید و این که زمام مدیریت استان کهن سال بوشهر را به چه کسی باید سپرد، اما شقاقی عمیق نمودار شده است؛ زیرا در حالی که در یک سوی میدان، هواداران اصلاحات- که اکثریت معناداری از بدنه ی اجتماعی و به خصوص کنش گران عرصه ی عمومی استان را تشکیل می دهند - و دیگر حامیان حسن روحانی با رویکردی مدنی و با صدور بیانیه های متعدد حمایت خود را از استانداری اسماعیل تبادار اعلام کرده اند، در سوی دیگر این عرصه، وابستگان به جناح محافظه کار خودنمایی می کنند. آن ها از طریق نمایندگان خود در مجلس، سخت در تکاپوی تحمیل گزینه ی همسو با خود به وزارت کشور و مردم استان می باشند!

۲. بلوک بندی های سیاسی و اجتماعی حول و حوش منصب استانداری بوشهر و رویارویی محافظه کاران و در پیشانی آن ها، اعضای راست گرای استان در مجلس، با خواست جمعیت پرشماری از ارباب فرهنگ، سیاست و دیگر مردمانی که به این باور نسبی و شاید یقینی رسیده و یا از پیش، این عقیده را داشته اند که تبادار می تواند دست کم مطالبات حداقلی آنان را برآورده سازد، بیانگر این واقعیت تردید ناپذیر است که اندیشه ی این آقایان لااقل در خصوص کاندیدای سکاندار استان- عجالتاً برخی مسایل دیگر بماند- با افکار عمومی بوشهر که دلواپس این مسئله هستند در تضاد می باشند.

۳. براساس آمارهای رسمی، از واجدین شرایط شرکت در انتخابات، ۷۳ درصد در رویداد ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ حضور یافته و اکثریت آن ها به حسن روحانی کاندیدای مشترک اصلاح طلبان و جناح میانه رأی داده اند. اکثریت قاطع مردم استان ما نیز در نفی هشت سال حاکمیت تام اصولگرایان، به این نامزد متفاوت که افزون بر شعارهایی در باره ی بهبود اوضاع اقتصادی و تشنج زدایی در سیاست خارجی، وعده هایی حقوق بشری نیز می داد رأی دادند بنابراین، این حق طبیعی مردم بوشهر است که وزارت کشور دولت منتخب خود ، به خواست معقول آن ها پاسخ مثبت داده و حکمرانی را به خدمت آنان بگمارد که فکر می کنند نسبت به سایر دوستانی که این روزها نام شان در رسانه ها مطرح است، بیشتر در سمت و سوی و یا حداقل در مجاورت مطالبات آنان می باشد. برای دولتی که خود را دولت تدبیر و امید می داند فاجعه بار است که در اندک زمانی پس از استقرار، با پشت کردن به انتظارات دمکراتیک عموم مردم، اندک شعله های امیدی را که در درون آنان برافروخته شده، خاموش سازد.

۴- در هشت سال گذشته، قوه ی مجریه برکشیده و مورد حمایت کانون های قدرت، بدون این که از مردم استان نظرخواهی کند، بر اساس اختیارات خود کسانی را بر صندلی استانداری بوشهر نشاند که برخی از آن ها چنین می نمود که تقریباً هیچ تعلق خاطری به شهر و دیار ما نداشته و به جای اندیشیدن به توسعه ی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استان و انجام طرح های در خورند. مردم آن، بیش تر، هم و غم شان معطوف به پرداختن به مسایل حاشیه ای بود. به رغم این، مجموعه ناراضیان از وضع موجود و ناوابستگان به جناح راست در بوشهر، با درکی واقع بینانه از ساختار قدرت و بینش و روش دولت مستقر و نیز آرایش نیروهای سیاسی، با گماشتگان دولت در استان سر کرده و بعضاً رنج های فراوانی را به جان بخرند. آن ها در عمل، خواست خود را برای تعیین استانداری از جنس اصلاحات و یا در حوالی آن، تا اطلاع ثانوی، ۲۴ خرداد ۹۲، به عهده ی تعویق انداختند.

۵- دلبستگان به دولت سابق و حافظان وضع پیش از ۲۴ خرداد و مخالفان ریز و درشت اصلاحات و تحول نیز باید این واقعیت که اکثریت مردم ایران، شهری و روستایی، دارا و ندار در فرصت ۲۴ خرداد، بینش، روش و آیین حکمرانی همه ی آن ها را مردود دانسته و خواهان در انداختن طرحی نو می باشند با متانت پذیرفته و به حکم عقل و شرع و با شیوه ای علمی و غیراحساسی، ریشه یابی این رویگردانی را در دستور کار خود قرار داده و قدرت را در تمام عرصه ها به ملت واگذار کنند. بر محافظه کاران استان ما و به ویژه کسانی که در مجلس حضور داشته و خود را نماینده ی مردم استان می پندارند نیز لازم است در مورد انتخاب استاندار با اغلب مردم استان همنوا شده و به کارزار خود برای واداشتن دولت به نقض عهد با مردم پایان دهند.

۶- هرکسی که آهنگ حکومت بر مردم و یا قصد خدمت به آنان را دارد، حتی اگر واقعاً انسانی روشنفکر، کاردان و ناآلوده به فساد مالی و اداری و رانت نیز باشد، برای کسب قدرت و کامیابی برنامه های خود باید از مقبولیت و حمایت عمومی برخوردار بوده وگرنه دیر یا زود و چه بسا بسیار دردناک باید با قدرت وداع کند. دوستان محترمی که در فهرست نامزد های جناح اصولگرا برای تصدی مدیریت استان قرار دارند نیز باید به این نکته شایان، عنایت کنند که بدون خواست و اقبال نخستین مردم و همگرایی و حمایت بعدی و مستمر آن ها، کار استان چندان به سامان نخواهد شد. و مهم تر این که زمامداری بر مردمانی که به هر دلیل و یا علت ما را دوست ندارند و یا نمی خواهند، کنشی پسندیده نیست. باید بر قلب خلق حکومت کرد و نه بر جسم آنان.

دکتر محمد جواد حق شناس فعال سیاسی و معاون اسبق وزارت ارشاد در مصاحبه با نسیم جنوب:

خسارت برخوردهای سلیقه ای برای اصحاب فرهنگ و هنر

– در روزهای گذشته انتقادات زیادی از بابت وجود شدید سانسور در کتب و روزنامه ها در زمان احمدی نژاد می شود. نظر شما در این باره چیست؟ و نویسندگان و روزنامه نگاران در آن دوره تا چه اندازه تحت سانسور قرار داشتند؟

– یکی از انتظاراتی که در فضای تبلیغات انتخاباتی توسط نخبگان، نویسندگان و روزنامه نگاران مطرح می شد و با نامزدهای انتخابات طرح موضوع می شد مبحث بازگشت به اصول قانون اساسی خصوص آزادی اندیشه و بیان بوده است. یعنی مطبوعات، کتاب، سینما، تئاتر و موسیقی و... تحت تاثیر برخی از سلیقه هایی که نگاه خودشان به آنها را نگاه صالح و منتفع در مواضع اسلامی می دانستند، که در نتیجه آن شاهد محصور ماندن آزادی اندیشه و بیان بوده و مضیقه ها و خسارت های قابل توجهی برای اصحاب فرهنگ و هنر و دست اندرکاران رسانه ها و حوزه نشر را به دنبال داشت. در دوران اصلاحات شاهد رفع برخی از محدودیت ها بوده و فضای مورد انتظار اهالی قلم تا حدودی برآورده شد، اما متاسفانه از سال۸۴ به بعد با حضور برخی از تفکرهای افراطی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شاهد برگشت این نوع سلیقه های تنگ نظرانه در عرصه مدیریت فرهنگ و هنر کشور بودیم. از این لحاظ انتظار بر این است که مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به خواسته ی اصحاب فرهنگ و هنر و تاکیداتی که به صراحت در قانون اساسی به عنوان قانون مادر، در این حوزه صورت گرفته و همچنین وعده هایی که رییس جمهور منتخب در تبلیغات و مبارزات انتخاباتی ارایه نمودند، به این خواسته توجه نموده و وعده های داده شده را محقق سازند.

– عده ای از نویسندگان بر حذف نظارت بیش از چاپ ارشاد بر کتابها و آزادی نشر و پاسخگو بودن بعد از انتشار در مراجع قانونی، معتقدند آیا امکان این امر وجود دارد؟

– این روش و خواسته امروزه در تمامی نشریات و مطبوعات در حال اعمال است و به نظر نمی رسد که تا کنون از این بابت مشکلی را به دنبال داشته است. بدیهی



است که در صورتی که اجازه نشر کتابها و تالیفات بدون ممیزی داده شود و در صورت بروز تخلف و عدول از قانون نویسنده خود به تنهایی و یا همراه ناشر مسئولیت مشترک در قبال قانون را عهده دار باشند ما شاهد رشد و توسعه کمی و کیفی در امر حوزه نشر خواهیم بود و محدود تخلفاتی که صورت می گیرد مستقما توسط قانونگذار اعمال خواهد شد، در این صورت هزینه های سنگینی که در وزارت ارشاد در امر بازخوانی و ممیزی صورت می گیرد کاسته خواهد شد و اعمال سلیقه های فردی توسط بررسی کننده ها و شخصیت های حقیقی که معلوم نیست با چه شاخص و میزانی به امر و نهی در مورد حوزه های تخصصی برای نویسندگانی که بیشتر صلاحیت در حوزه های تالیفی دارند نیز نخواهند پرداخت. در صورت تحقق این روش وزارت ارشاد می تواند مبادرت به تعیین سیاست های کلان و دادن مشاوره های تخصصی به مسئولین انتشارات و یا نویسندگانی و مترجمینی که نیازمند گرفتن این نوع مشاوره ها باشند، بپردازد و بدین وسیله سرعت نشر و آزادی لازم برای انتشار نشریه و افکار فراهم خواهد شد.

– به نظر شما وجود سانسور چه صدمات مادی، روحی و فرهنگی را بر فرهنگ یک کشور وارد می آورد؟

– ممیزی هایی که توسط برخی از سلیقه های افراطی در اهل فرهنگ و هنر و اندیشه صورت می گیرد آثار بسیار زیانباری را در حوزه اندیشه و تفکر و دانش به بار آورده و یاس، افسردگی و نگرانی فرهیختگان جامعه را به دنبال خواهد داشت و از ارتباط موثر میان طالبان دانش و علم از یک سو و تولید کنندگان اندیشه و فرهنگ از سوی دیگر خواهد کاست.

– سلیقه ای بودن رفتار وزیر و مسئولان وزارت ارشاد در برخورد با سینماگران، نویسندگان، رسانه ها و فشار شدید بر اهل فرهنگ و هنر باعث شکاف بین آنان با اهل فرهنگ شده است. برای تعامل وزارت ارشاد با اهل فرهنگ و هنر چه پیشنهاداتی دارید؟

– برگزاری نشست های دوره ای، برقراری ارتباط موثر و دیدارهای عمومی و هم چنین تبیین دیدگاه ها و سیاست های کلان در رسانه های عمومی و در دسترس بودن مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد می تواند از جمله راهکارهای موثر برای برقراری یک ارتباط بهینه و موثر باشد.

– در دوره احمدی نژاد شاهد برخورد وزارت ارشاد و ادارات کل ارشاد با انجمن های صنفی و نهادهای مستقل مطبوعاتی در سراسر کشور از جمله استان بوشهر بودیم. به نظر شما امیدی به اجازه فعالیت برای این نهادهای مستقل فرهنگی و مطبوعاتی وجود دارد؟

– مسئولین وزارت ارشاد و مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در استانها باید این نگاه را برای خود در دستور کار قرار دهند، ایشان خدمتگزاران اصحاب فرهنگ و اندیشه و هنر در حوزه های سینما، تئاتر و هنرهای تجسمی و رسانه هستند و ضروری است که تلاش خود را برای ایجاد تسهیلات برای این قشر به منظور برقراری ارتباط میان مخاطبان عام و این مجموعه که تولیدکنندگان عرصه فرهنگ و هنر هستند را فتح نمایند. در این صورت می توان امید به ایجاد بهبود و افزایش بهره وری در این مجموعه مهم داشت.

بوروکراسی، مانع راه‌اندازی بیمارستان عسلویه

شهرستان عسلویه که این روزها به‌عنوان پایتخت انرژی کشور شناخته شده و سال‌هاست که جمعیت آن به‌دلیل استقرار تجهیزات نفت و گاز و هجوم انبوه نیروی انسانی برای اشتغال در این تجهیزات، افزایش شدیدی یافته است، از داشتن یک بیمارستان محروم است.

به گزارش همشهری آنلاین با این حال از ۸سال قبل ساخت یک بیمارستان در منطقه آغاز شد و امروز ساختمان آن تکمیل شده و ظاهرا تجهیزات مورد نیاز هم نصب شده است اما خبری از بهره‌برداری از آن نیست. فرماندار عسلویه ایراد کار را از سازمان تأمین اجتماعی می‌داند. مجید محمدی به مهر گفته است: از ۷ماه پیش که بنده به‌عنوان فرماندار عسلویه منصوب شدم، ساختمان بیمارستان تأمین اجتماعی عسلویه حدود ۹۰درصد پیشرفت فیزیکی داشته که در این چند ماهه و در نخستین اقدام، پروژه را به صددرصد رساندیم.

وی افزود: در این مدت، معاون عمرانی فرمانداری را به‌عنوان نماینده مقیم در محل تا تکمیل پروژه مستقر کردیم. فرماندار عسلویه تصریح کرد: بوروکراسی خاص سازمان تأمین اجتماعی باعث تأخیر در راه‌اندازی بیمارستان تأمین اجتماعی عسلویه شده است.

محمودی خاطرنشان کرد: با درآمد حاصل از تأمین اجتماعی در عسلویه با توجه به حجم بالای جمعیت بیمه‌شده تحت پوشش در شهرستان، به راحتی می‌توان در کوتاه‌ترین زمان، بیمارستانی مانند این بیمارستان احداث کرد.



سید قاسم یاحسینی نویسنده و پژوهشگر بوشهری در مصاحبه با نسیم جنوب:

زیاد خوش بین نیستم



– نویسندگان و روزنامه نگاران در دولت اصولگرای احمدی نژاد با سانسور زیادی روبرو شدند. نظر شما چیست و آیا تیغ سانسور به کتابهای شما هم رسید؟

– سانسو و ممیزی پدیده ای نو و تازه ای نیست اما واقعیت این است که در عصر دولت عدالت این روند تشدید شد به گونه ای که حتی کتاب های تاریخی مربوط به دوران های نسبتا دور نیز به شدت سانسور می شد به عنوان نمونه من کتابی دارم درباره انقلاب مشروطه که بیش از شش سال در اداره ارشاد تهران مانده و تا امروز نیز موفق به اخذ مجوز نشده است. هم چنین کتابی درباره ی نقش زنان بوشهر دارم که آن کتاب نیز حدود یک سال است در ارشاد آقای احمدی نژادی مانده و تا امروز نیز خبری از مجوز آن نمی باشد. ضمنا کتاب جنگی من نیز که درباره رزمندگان اسلام بو د در همین دوره مورد سانسور قرار گرفت .

– این روزها درخواست تعدادی از نویسندگان بر حذف نظارت بیش از چاپ ارشاد بر کتابها و آزادی نشر و پاسخگو بودن بعد از انتشار در مراجع قانونی، مطرح شده است. نظر شما چیست؟

– اصل سانسور و ممیزی موزون به شعور نویسندگان و مخاطبان آنان است بنابراین طبیعی است که من نیز مثل اکثریت نویسندگان ایران با سانسور قبل از چاپ مخالفم. ما باید همان زمینه ای که درباره مطبوعات و رسانه های جمعی وجود دارد در باب کتاب نیز اعمال کنیم. هیچ هفته نامه و روزنامه ای در ایران قبل از چاپ سانسور و ممیزی نمی شود، وقتی که در زمینه حساسی چون نشریات این قانون اعمال شده و اتفاق خاصی هم نمی افتد در باب کتاب که تیراژ آن فقط ۱۰۰۰ نسخه است چرا نباید این قانون اعمال گردد. خوب حقیقت این است که مسئولین فرهنگی ما از نویسندگان، روشنفکران و کتاب و اندیشه هراس دارند و همواره نویسندگان را به شکل متهم می بینند لذا چنین فضایی پر از سوء ظن وجود داشته و شاید باز در بر همان پاشنه بچرخد.

– وجود سانسور چه صدمات مادی، روحی و فرهنگی را بر فرهنگ یک کشور وارد می آورد؟

– سانسور سهم مهلک و قاتل اندیشه و فرهنگ است یک انسان را در نظر بگیرید، وقتی دست و پا و چشمانش را قطع کرده و کور نمایند چه حالی برای آن انسان می ماند! وقتی صفحات و فصل هایی از یک کتاب یا رومان حذف می شود عملا آن کار کشته شده و مثله می گردد. سانسور اعلان مرگ فرهنگ و اندیشه است جامعه ای که دچار سانسور باشد جامعه ای پر از اختناق، انحطاط و سرخوردگی است.

– در دولت احمدی نژاد شاهد برخورد سلیقه ای مسئولان وزارت ارشاد و مدیران کل ارشاد در استانها با اهل فرهنگ و رسانه بودیم. درمان این درد چیست؟

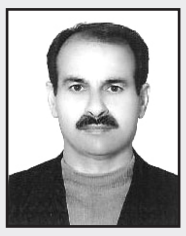
– سلیقه ای برخورد کردن درد بی درمانی است که تا قانون به شکل دمکراتیک و مردم سالارانه وضع نشده و نهادینه نگردد، درمانی برای آن متصور نیست و با هر تغییری امکان از دست رفتن تمام دستاوردها وجود دارد. کما این که یک شبه ۸ سال دستاورد دولت اصلاحات بر باد رفت و آب از آب هم تکان نخورد!

– با روی کار آمدن دولت اعتدال و امید، تا چه اندازه به گشایش فضای فرهنگی امیدوارید؟

– پیش بینی می شود سال بسیار پرخطری در ایران است زیرا تحولات به خصوص نقش گروه های فشار چنان زیاد و پرشتاب است که تحلیل کار را دشوار می کند. به عنوان نمونه فشارهایی که این روزها با وجود حمایت صریح رهبری از مذاکرات نیویورک وجود دارد، نشان می دهد که گروه های فشار سرخود کارهایی می کنند و اصلا قابل پیش بینی نیست. بنابراین من به آینده ارشاد و ایجاد فضای دموکراتیک که همه نویسندگان قادر به تولید و انتشار ماحصل اندیشه های خود باشند زیاد خوش بین نیستم. باز هم تکرار می کنم که به دلیل نهادینه نشدن قوانین دموکراتیک هر دستاوردی ممکن است یک شبه از دست برود.

غرور ملی وتبعات آن

دکترعباس حاتمی



هر انسانی که به ملیت خود افتخار می کند باید از خود بپرسد که چرا به ملیتش افتخار می نماید؟ چه خاصیت فوق العاده ای در اهل جای مشخصی بودن وجود دارد که باید بدان افتخار نمود؟ از آنجایی که تولد و قدم در این دنیا نهادن یک رخداد غیرانتخابی است؛ اصولاًغرور ملی چه معنایی پیدا می کند؟ فرد بر اثر ''تصادف تولد'' در ایران زاده شده است و خود درانتخاب مکان تولد نقشی نداشته است، همین تصادف می توانست فرد را شهروند کوبا، سومالی، کره شمالی، سوئد و... نماید، پس وی برای چه باید به ایرانی بودن خود افتخار نموده و به خاطر ایرانی بودن، مغرور و متعصب باشد؟

اصولاً افتخار نمودن به چیزهایی که یک انسان با استفاده از توانایی ها و استعدادهای خود آن ها را کسب نکرده امری غیرمنطقی و تأسف بار است؛ مواردی که مایه افتخار یک انسان هستند اکتسابی بوده و افتخار به صورت ارثی به کسی نمی رسد. شاعر گرانمایه نظامی گنجوی در این باب می گوید: ''گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر تو را چه حاصل؟''. آیا به راستی افتخار به ملیت، نژاد، رنگ پوست، زبان و... که آدمی در مرحله نخست آنان را به صورت اتفاقی و بر اساس ''تصادف تولد'' به دست آورده و در مرحله دوم، تمامی آن ها را با میلیون ها انسان دیگر شریک است؛ امری پوپولیستی (عوام فریب) و اندوه بار نیست؟

کوروش بزرگ، انسان درستکاری بود، ایرانیان باید از تنها افتخارکردن به وی دست برداشته و از چگونگی برخوردهای دوستانه وی با دیگر انسان ها و احترام گذاشتنش به باورهای دیگران و... درس اخلاق بگیرند و عملاً اخلاق مدارباشند. نشستن و افتخار کردن به کوروش کبیر در حالی که کمترین اثری از پویایی در کشور دیده نمی شود و بی اخلاقی بیداد می کند، دردی از ما دوا نخواهد کرد.

یک انسان باید به چه اندازه از استعداد، پویایی، هوش و توانایی تُهی باشد که خود قادر به رسیدن به پیروزی هایی که بتوان بدان ها افتخار کرد نباشد و عاجزانه به مُشتی داستان و روایت چند هزار ساله، برای افتخار و سر بلند کردن در جامعه جهانی و مغرور بودن، چنگ بیاندازد؟

اصولاً رخدادهای تاریخی که چند صد سال و یا چند هزار سال پیش به وقوع پیوسته اند و سبب پیروزی ملتی و یا شکست ملت دیگری در آن زمان شده اند، نمی توانند مایه افتخار و یا شرمندگی انسان ها در حال حاضر باشند.

شکست یا پیروزی شما در گذشته باعث شکست یا پیروزی شما در آینده نمی شود!

آرتور شوپنهاور نویسنده مشهور در باب غرور ملی می گوید: '' مبتذل ترین نوع غرور، غرور ملی است زیرا کسی که به ملیت خود افتخار می‌کند در خود عملکرد با ارزشی برای افتخار ندارد وگرنه به چیزی متوسل نمی‌شد که با هزاران هزار نفر در آن مشترک است. برعکس، کسی که امتیازات فردی مهمی در شخصیت و عملکرد خود داشته باشد، کمبودها و خطاهای ملت خود را واضح تر از دیگران می‌بیند، زیرا مدام با این‌ها برخورد می‌کند. اما هر نادان فرومایه که هیچ افتخاری در جهان ندارد، به مثابه آخرین دستاویز به ملتی متوسل می‌شود که خود جزیی از آن است. چنین کسی آماده و خوشحال است که از هر خطا و حماقتی که ملتش دارد، با چنگ و دندان دفاع کند.''

مردم جهان باید بدین باور برسند که انسان ها همه با هم برابر و مساویند و همگی شان شایسته برخورداری از حقوق انسانی می باشند، زبان، رنگ، نژاد، ملیت و... ملاک برتری مردمی نسبت به مردم دیگر نیستند بلکه ملتی از ملت های دیگر برتر و بهتر است که در زمینه های علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و... با تکیه بر داشته ها و توانایی های خود و با کوشش شبانه روزی مردمانش پیشرفت کرده و گوی سبقت را از باقی کشورها ربوده باشد.

دانش فرگشت ثابت می نماید که در حدود صد هزار سال پیش، تمامی انسان ها در آفریقا زندگی می کردند و از آنجا پراکنده گشته و در جاهای مختلف کره زمین، سکنی گزیدند؛ با تکیه بر دانش فرگشت، انسان ها همه از نژادی یکسان و مشترک هستند، حال به راستی مایه خجالت نیست که گروهی از مردم گمان کنند که به خاطر نژادشان از باقی مردمان بهترند؟ آیا نژاد پرستی و غرور ملی و افتخار به آنچه گذشتگان در طی هزاره ها انجام داده اند، نشانه بلاهت و عقب افتادگی فکری یک جامعه نیست؟

نژاد پرستی و اینکه کسی گمان کند به دلیل نژادش و یا رنگ پوستش یا ملیتش از شخص دیگری بهتر و والاتر است، بی خردی محض است.

برخی می پرسند که آیا یاد کردن و سخن گفتن از بزرگانی چون فردوسی، امیرکبیر، سعدی و حافظ و کوروش بزرگ و... نیز اشتباه است؟ پاسخ آنان اینچنین است که: یاد کردن از بزرگان تاریخی ملتی و درس گرفتن از اندرزهای آنان، نه تنها اشکال ندارد بلکه موجب پیشرفت و شکوفایی فکری ملت می گردد. مشکل آنجایی آغاز می شود که آن یاد کردن ها، تبدیل به پرستیدن می شوند و ما بُت می سازیم و چون خودمان قادر نیستیم کاری در خور افتخارامروزی انجام دهیم، دست از تلاش و کوشش برداشته و شبانه روز فقط به گذشته اجدادمان افتخار می کنیم و این تراژدی، زمینه های عقب ماندگی یک جامعه و عدم پیشرفتش را فراهم می آورد.اگر ما از کورش و فردوسی درس می گرفتیم در جامعه اینقدر دروغ، ریا و ... نداشتیم، بهتراست از خود سوال کنیم امروز جهانیان در مورد ایرانیان چه فکرمی کنند؟ ارزش پول ملی و پاسپورت ایرانی در جهان چقدراست؟ پس به هوش باشیم، ضمن شناخت تاریخ و درس گرفتن ازآن، برای امروز و فردای خود افتخارات جدید بیآفرینیم.

ملی گرایی و گذشته نگری درعصرجهانی شدن کارآیی ندارند، باید کل جهان امروزی را شناخت و افتخارات جهانی امروزی آفرید، همان افتخارجهانی که اصغر فرهادی با ساخت فیلم جدایی آفرید. افتخاری که استیو جابزبا تولیدات Apple نصیب کشورش کرد، افتخارات بنیانگذار فیس بوک که انقلاب جهانی در ارتباطات ایجاد نمود.

نسیم جنوب
ادب و هنر
شماره ۷۱۴- یک شنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

دیدار با مصطفی بردستانی هنرمند دیری صاحب سبک هنر آئینه کاری در جنوب کشور:

عشق به نقاشی مرگ زا بر روی آئینه



ابراهیم دانش: این بار برای تهیه گزارشی از یک هنرمند یا بهتر بگویم کسی که کلکسیونی از هنر وهنرمندی را در وجودش دیدم .راهی شهر دیر شدم .در منزل شخصی پدریش انواع و اقسام کارهای هنری دارد. برای لحظه ای غبطه خوردم که چرا ما با این چنین افراد بیگانه ایم؟ چرا این شخص که این همه ذوق هنری دارد و توانمندی کارهایش در حد کارگاهی است هنوز غریبانه که حتی متولیان شهرستان اعم از اجرایی وفرهنگی از ایشان استفاده نمیبرند؟ مگر داشته ها ی فرهنگی چیست؟ مگر پتانسیلهای هنری چه میباشد؟ مگر ما چند نفر از این نوع داریم که به جامعه معرفی نمی نماییم؟ مصاحبه با این هنرمند دیری می خوانید:

– خود را معرفی بفرمایید ؟

– مصطفی بردستانی مشهور به ابن حسن که در محله (موشو) هم صدایم میکنند وبا این نام بهتر حال میکنم، متولد ۱۳۵۸ ساکن دیر و تا مقطع دیپلم (فنی وحرفه ای رشته برق) درس خوانده ام؛ در محله مسجد جامع ساکنم.

– قبل از اینکه از آثار هنریت بگویی در چه زمینه هایی هنری دیگر کار میکنی ؟

– بنده از کودکی علاقه به شعر وشاعری داشتم . گاها برای دل خودم شعرهایی میگویم و در زمینه دلنوشته ادبی ، مذهبی ، عرفانی ، تا دلت بخواهد نجوا نموده ام. کاریکاتورو آواز ترنه ای هم بلدم و عرضم به حضور شما خطاطی در سبکهای مختلف اعم از زبان فارسی یا لاتین در حد بیش از خودم مینویسم و دیگر اینکه نی و تار غذای روحی من است؛ راستی شروه هم میخوانم. خلاصه همه کاره ولی بیکاره .

– چطور شد که به سوی هنر آئینه کاری رفتتید ؟

– دوره راهنمایی که بودم بنا به اقتضای شغل پدریم به شیراز مهاجرت نمودیم ؛ در شاهچراغ بعداز زیارت و نماز مینشستم وهمین طور به آئینه کاری های حرم نگاه میکردم و لذت میبردم و میگفتم اگر یک زمانی این حرفه و هنر را یاد بگیرم افتخار خدمت گذاری به اهل بیت و بارگاه ائمه نصیبم شود؛ حتما اقدام میکنم و با مدد گرفتن از ائمه واهل بیت (ع) در بازار شیراز عبور مینمودم؛ چشمم به یک مغازه آئینه کار افتاد وارد شدم و پس از سلام علیک گفتم: میخواهم این رشته کار کنم؛ استاد که پیرمردی بود با خوشرویی تمام گفت: پسرم شاگرد مغازه نمیخواهیم. گفتم: نمیخواهم شاگردی کنم؛ میخواهم بیایم یاد بگیرم؛ با لبخندی گفت: این کار سخت و خطرناکی است برو یک رشته مناسبتر انتخاب کن. گفتم: اگر اجازه بدهی چند روزی با شما باشم . آدرس کارگاهش داد فردا به آنجا رفتم دوباره با من صحبت نمود وقتی اصرارم را دید گفت: ببین عزیزم از دیروز تا به حال قصدم اذیتت نبود ونمیخواستم توی ذوقت بزنم داشتم تو را تست میزدم ببینم تا چه اندازه مصمم هستی. تابستان که میشود بچه های زیادی برای فوق برنامه یا گذران تابستان پیشم میایند؛ ولی من بخاطر خطراتی که دارد نمیتوانم همه را پذیرش نمایم؛ ولی دو تا سه شاگرد که بتوانند آینده ساز باشند انتخاب میکنم. یادم نمیرود دوسه روز که نزد استاد کار کردم ؛ عصربا یک اثر کاری خودم وارد کارگاهش شدم ؛عینکش برداشت گفت: مصطفی از کدام مغازه خریده ای؟ گفتم کار خودم است. گفت: اگر دروغ بگویی میدانی چه کار میکنم؟ گفتم: استاد دروغ از مصطفی نخواهی شنید. بلند شد پیشانی مرا بوسید. همین عمل او برایم انگیزه بود و احساس غرور کردم . استاد محمد رضا دعایی معرف حضور همه اهالی فارس و کشور میباشد او در سطح بین الملل شناخته شده است؛ آئینه کاری حرم شاه چراغ و چندین بارگاه دیگر کار کرده است، او را همه میشناسند گرچه در دوسال گذشته خبر درگذشتش را شنیدم و خیلی متاثر شدم؛ ولی مطمئنم مردان نیک نام نمیمیرند چون آثارشان زنده است.

– در چه زمینه هایی نزد استاد کار کردی ؟

– کاربر روی شیشه، نقاشی روی آئینه ، چوب ، گرانیت ، آلومینیم و حتی پارچه و تور نخی یاد گرفتم.

– در جنوب کشور از این نوع کارهای هنری؛ هنرمندی سراغ داری؟

– اگر بگویم نه بهتر است؛ زیرا از قول استاد دعایی میگویم؛ او می گفت مصطفی، اگر بتوانی خوب یاد بگیری؛ در جنوب کشور خودت تنها هستی زیرا او آدرس همکاران و هنرمندان کشور را به نام و شهرت و حتی کارگاهی میشناخت. ولی تاکنون کسی نبوده در این مناطق این رشته را کار کند. نه اینکه بگویم بنده کسی هستم؛ خیر! با احترام وافر به همه هنرمندان در همه سطوح و رشته ها و رسته های هنری و همکاران. شاید یک از عمده دلائلش خطرناک بودن این رشته هنری است؛ که شاید بزرگان مایل باشند وارد هم میشوند؛ ولی وسط راه که مضرات و خطراتش را میفهمند ادامه نمیدهند.

– خیلی از خطرات ومضرات این کار حرف میزنی چه خطراتی دارد ؟

– اصولا کار با شیشه و آئینه ضمن اینکه ظرافت کاری میطلبد؛ به دلیل نوع فیزیکی کار و برندگی جسم؛ به قول استاد دعایی بازی با مرگ است که برایت میگویم. اولا نقاشی روی آئینه خطرناکترین نوع نقاشی میباشد؛ زیرا با مواد سمی و جیوه سر و کار داریم؛ در پشت آئینه ماده ای به نام جیوه وجود دارد؛ یعنی لعاب کاری شده؛ خود کار با جیوه و برداشت آن و اشتشمام جیوه سرطان زا ، عقیم شدن و مسمومیت حتی تا مرگ هم دارد؛ پس از طراحی الگو روی شیشه یا آئینه با ابزاری به نام راپید یا قلم خشک؛ خلق خطوط یا جیوه برداری میکنیم بعد با اسید سولفوریک؛ جیوه را شستشو میدهیم؛ حال اگر در میان راه؛ خطی یا حتی تار مویی بر نقش بیفتد؛ اثر غیر قابل ارزش است و اصلا قابل بازسازی یا ترمیم نیست و به همین منظور است که باید این کار را کاری مرگ زا نامید. ولی چه کار میشود کرد علاقمندی و عشق به هنر این حرفها حالیش نمیشود.

– از چه سالی شروع به خلق آثار هنری کردی؟

– بنده از همان زمان که از شیراز برگشتیم یعنی در سال ۱۳۷۵ تا به امروز در رشته های هنری مشبک؛ خط، نقاشی، خط و نقاشی بر آیینه؛ ویترای نقاشی بر گرانیت و شیشه و سوخته نگاری بر چوب به هنرنمایی مشغول هستم.

– پس میتونیم بگوییم استاد بردستانی صاحب سبک است؟

– خیر کلمه استادی که شما میفرمایید در شان بنده نیست، بنده هنوز شاگرد بزرگان اهل هنر بوده و هیچگاه به خودم اجازه چنین عنوانی را نمیدهم، ولی در نقاشی برروی آیینه؛ دارای سبک و تکنیک مختص به خودم هستم که در استان بوشهر و حتی فارس می توانم از این نوع سبک نقاشی به نام خودم دفاع نمایم.

– از مشکلات کاری این رشته دیگر چه میتواند باشد؟

– همانطور که گفتم این سبک از نقاشی به واسطه جیوه برداری و اسید پاشی و فعل و انفعالات ناشی از آن بسیار خطرناک و سرطان زاست و تاثیرات مخربی بر ریه می گذارد. در این سبک از نقاشی شما میدان باز آزمون و خطا مطلقا ندارید؛ بر خلاف نقاشی رنگ روغن که با رنگ خطاها پوشش داده می شود؛ یا طراحی با مداد که با پاک کن و خلق سایه ها خطاها زوده می شود؛ در این سبک نقاشی به واسطه برداشت جیوه دیگر میدانی برای پوشش خطا نیست . و خود به خود اثر از قاعده هنر خارج می شود.

– آثار هنریت تاکنون به جایی هم هدیه یا ارسال نموده ای ؟

– همانطور که اویل صحبتم عرض کردم بر عهدی که با خودم و اهل بیت بستم که در صورتی که این هنر را یاد بگیرم خدمتگذاری کنم، به محض اینکه احساس کردم که میتوانم آثارم ارئه بدهم به همین منظور آثار ناقابلی تقدیم به مساجد و آستان مقدس بزرگ سرور دین حسین (ع) نموده ام (مساجد و حسینیه های دیر ؛ کنگان ؛ کویت ؛ بحرین ؛عجمان ؛ دبی ؛ و ادارات شهرستان و منازل دوستان در سطح کشور) و در حال طراحی یک اثر هنری برای تقدیم به حسینیه جماران که مشتاق هستم با دست خودم به تهران ببرم .

– آیا از اساتید دیگر هم بهره برده ای؟

– بلی، خدا رحمت کند مرحوم استاد محمد رضا دعایی که می گفت تو ذوق هنری داری برو در زمینه های دیگر هم کار کن و مرا به استاد حافظ ذوالقدر معرفی نمود؛ مدتی نزد ایشان ضمن تلمذ و کار آموزی در زمینه معرق ؛ مشبک بر چوب ؛ برنج و کار بر گرانیت (کلاژ) هنر آموزی داشتم.

– تاکنون مقامی هم کسب نمود ه ای؟

– معمولا برای کسب مقام میباید از سوی ارگان ودستگاهی که متولی می باشد معرفی بشوی که حقیقتا تا این لحظه هیچ مسئولی حالی از احوال بنده جویا نشده و شاید هم یک از دلائل گمنامیم تنبلی از خودم بوده، ولی در شهرستان دیر اکثر مسئولین که بنده را میشناختند و میشناسند برای یکبار هم نشده مرا به فستیوال هنری یا نمایشگاهی دعوت نمایند و تنها یکبار خودم در مسابقه جهانی آبگینه ونیز ایتالیا شرکت نمودم و الحمد الله با کسب مقام دومی روسفید شدم. البته بنده عضو انجمن هنرهای تجسمی و سنتی کاران ایران هستم.

– مثل اینکه از دوران دبستان خاطر ه ای زیبا داری؟

– کلاس پنجم که بودم خانم فریبا کلهر و بیوک ملکی که از اساتید قلندر خانه ایران میباشند به دیر آمد ند و برای او چند صحنه نمایش اجرا کردم و در حضور آنان به تیم حریف گلی غافل کننده زدم؛ با توجه به وضعیت جسمانی که پسری چاقلو بودم ؛خیلی خوششان آمد.همین طور مرا صدا میزدند و می خندیدند در آن موقع چند عکس از من را در صفحه سروش کودک ونوجوان انداختند و عنوانش این بود = مارادونای هنرمند بوشهری ساکن دیر است .

– چه آرزویی داری؟

– آرزوی بزرگم فراهم شدن ازدواجم است که فکر کنم دور هم شده باشد.(با خنده) ولی آرزوی کاریم اول مکانی برای ارائه آثارم به همشهریان و هم استانی ها و کشور و اگر امکان داشته باشد شرکت در فستیوال جهانی آبگینه کاران که هر ساله در جهان برگزار میشود و کمتر شنیده ام از کشورمان کسی شرکت کننده باشد و بعد اگر امکان داشته باشد شرائطی برایم فراهم شود تا کارگاهی داشته باشم و اطلاعات و معلوماتم را در اختیار دیگران و علاقمندان این رشته اصیل ایرانی قرار بدهم و دیگر مکانی برای اینکه این آثارم به جایی مطمئن نقل و مکان بدهم تا هم مزاحم خانواده نباشم وهم اینکه از نظر امنیتی مطمئن باشم که مشکلی برایشان پیش نمی آید؛ باور کنید شاید برای برخی از این آثار یکماه کار صرف شده؛ حیفم می آید در منزل که میهمان و بچه ها می آیند بر اثر سهل انگاری بشکنند؛ خیلی آنها را دوست دارم.

– در پایان حرف نگفته ای داری بفرما؟

– حرف که زیاد است و دل مالامال از گلایه ؛ خانواده ما ذاتا هنرمند هستند. برادرم در تار و گیتار صاحب سبک است ؛ برادر دیگرم دکترای ریاضیات و برنده مدال المپیک جهانی ریاضیات و در حال تحصیل کشور کانادا و بستگانم هم هر کدام در رشته هایی ذوق هنری دارند ولی بی توجه ای مسئولین آزارم می دهد؛ در جلسات از توجه به هنر و هنرمند می گویند و در عمل همچون حروف والی نوشته میشوند ولی خوانده نمی شوند. از هفته نامه نسیم جنوب که یادی از ما نموده است متشکرم. باور کنید وقتی در حسینیه ها و مساجد و ادارات دیر میروم و آثار خودم را می بینم خدا را شکر میکنم که چنین توانمندی را به من عطا فرموده است.

نگاهی به فیلم مروا

مروای حوزه هنری و آرزویی برای صدا و سیمای بوشهر

عبدالرضا هاشمی



از طریق دوستانم مطلع شدم که قرار است فیلمی که توسط حوزه هنری تولید شده در سینما بهمن اکران شود. بر اساس کنجکاوی و اشتیاقی که برای دیدن این فیلم داشتم به همراه چندتن از دوستانم به سینما رفتم، خوشحال بودم که می دیدم برای فیلمی از بچه های بوشهر این چنین استقبال می شود ، هر چند که گفته بودند این فیلم بصورت اختصاصی برای عوامل سازنده اکران خواهد شد. اما بنظر می رسید استقبال عمومی خوبی هم از آن بعمل آمده بود.

بهرحال در ابتدای نمایش فیلم صحبت های مدیر حوزه هنری که بسیار کوتاه بود شنیدیم و پس از آن تقدیر شد از عوامل فیلم، که این اقدام هم جای تامل دارد. اما بحث اصلی من این نیست که گزارشی از چگونگی حضورم را بیان کنم خواستم چند نکته ای در باب این فیلم بنویسم، چرا که بعد از دیدن فیلم به سراغ کارگردان و بازیگر اصلی فیلم هم رفتم و صحبت های آنان نیز شنیدیم. اما نکته های که در باب نقطه قوت ها و ضعف های فیلم باید گفت این است که ابتدا آرزو می کنم حداقل سالی دو الی سه فیلم در بوشهر توسط هنرمندان بوشهری تهیه و اکران شود.

اما در ادامه باید عرض کنم که کار حوزه هنری استان بوشهر قابل تقدیر است که توانسته این فیلم را تولید کند، با توجه به اعتبارات و امکانات حوزه هنری استان بوشهر این اقدام می تواند در خور تحسین باشد، چرا که تاکنون هر فیلم که از حوزه هنری تولید و اکران شده، فیلم های کوتاه با مضمون های مختلف بوده است و این فیلم، اولین فیلم بلند این حوزه است.

و اما در خصوص فیلم:

– فیلم مضمونی بومی دارد که برگرفته از اعتقادات مردم این استان است.

– سادگی و روانی بازیگران بومی این فیلم از دیگر ویژگی های این فیلم بشمار می رود.

– فیلمنامه دارای انسجامی قوی است اما به جای خود در این زمینه نیز صحبت خواهیم کرد.

– انتخاب کلیه بازیگران بومی و بکارگیری نابازیگران در این فیلم نیز از توانایی کارگردان است که توانسته به بهترین شکل از آنان استفاده و بهره برداری نماید .

– تصویربرداری فوق العاده ، کادربندی مناسب، استفاده متعدد از لوکیشن های متنوع از نکات بارز این فیلم است.

– استفاده از موسیقی مذهبی در فیلم متناسب و تاثیرگذار است.

اما ضعف هایی که می توان به آن اشاره نمود: هر چند که فیلم با سنج و دمام آغاز می شود اما بعد از تیتراژ، فیلم به کندی جلو میرود که می تواند در مخاطب تاثیر منفی بگذارد.

اختلاف فاحش بین نماهای بسته و باز بخوبی هویدا است ، چرا که تصاویر بسته با نوعی نورپردازی و شفافیت زیبا مشاهده می شود اما در نماهای باز این نور دارای اشکال است که بنا به اظهارات کارگردان فیلم، این اشکال در نوع بخش فیلم بوده است.

–عدم حرکت در خلق تصاویر، این فیلم نماهای قاب بندی شده را به تصویر می کشد چرا که تحرک و تنوع در نوع حرکت دوربین می توانست تصویربرداری را زیباترو برجسته تر نماید.

مورد دیگری که می توان به آن اشاره نمود زمان فیلم است، که بعنوان مثال تدوینگر می توانست در سکانس پایانی فیلم تغییراتی ایجاد نماید تا فیلم را کوتاه تر کرد و سکانس پایانی نیز همچنان احساسی به پایان برسد.

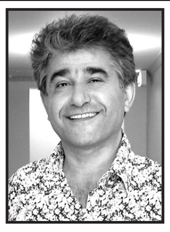
اشاره کنم که هنوز هم می توان از ویژگی های این فیلم گفت و از اشکالات دیگر آن نیز سخن گفت اما سخن من این است که آیا نمی توان در سال چند فیلم از این نوع تولید نمود؟ وقتی دستگاهی چون حوزه هنری با اعتبارات کم می تواند اینگونه فیلم ها تولید نماید، آیا صدا و سیما با آن اعتبارات و هزینه های آنچنانی نمی تواند چند فیلم با این هزینه ها تولید نمایند؟

انتظاری که از صدا و سیما و دستگاه های فرهنگی استان می رود خیلی فراتر از این ها است، باید هنرمندان استان را باور کرد، باید به آنان اعتماد نمود. هنرمندانی در این استان هستند که می توانند با کمترین امکانات و کمترین اعتبارات لازم فیلم های قابل توجه تولید نمایند، موفقیت هنرمندانی چون احسان عبدی پور، داریوش غریب زاده، رامتین بالف، سید حسین صافی، سیدرضا صافی و داریوش غذبانی در جشنواره مختلف موید این ادعاست اما چرا باید هنرمندان همچنان در حسرت حمایت اهل فرهنگ و هنر بمانند؟

در پایان کارگردان فیلم توضیح می داد با همه بی مهری ها و کمبود ها فقط دلگرمی های مسئولین حوزه هنری و اعتقاد راسخ به آقا امام حسین(ع) بود که این اثررا به پایان رساندیم و امروز خوشحالم که این اثر با کمترین امکانات فنی بدلیل عدم حمایت دستگاه های فرهنگی و هنری استان با کمترین اعتبارات تولید شد. امیدواریم حداقل همین حوزه همچنان حمایت خود را از هنرمندان جوان و آینده دار این استان ادامه دهد تا شاهد موفقیت های بیشتر جوانان این استان در عرصه تولید فیلم باشیم.

در پایان آرزو می کنم صدا و سیما، اداره کل ارشاد، استانداری بوشهر، حوزه هنری استان، اداره کل تبلیغات اسلامی با حمایت از هنرمندان جوان و جویای نام، زمینه درخشش آنان در سطح کشور را فراهم سازند.

افسانه های مردم فارسی زبان



دکتر محمود دهقانی

پژوهشگر سرشناس «روشن رحمانی» استاد دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان کتابی به زبان روسی و به زبان و الفبای سرلیک تاجیکی در شهر دوشنبه پایتخت جمهوری تاجیکستان منتشر کرده است که کاری بسیار با ارزش در عرصه ی تاریخ و نشر پژوهش افسانه های تاجیکستان و ایران و افغانستان است.

برگردان این کتاب را انتشارات نوید شیراز به چاپ رسانیده و خواننده را با مفاهیم افسانه ها و شیوه ی زبان فارسی- تاجیکی متداول در کشورهای آسیای میانه و از جمله تاجیکستان آشنا می کند.

پژوهشگر ارجمند روشن رحمانی در پیشگفتار کتاب خود یادآور شده اند که از مفهوم فولکلورشناسی و همچنین ادبیات شفاهی که ورود زبان پژوهشگران جهان است نیز استفاده کرده است.او در مورد افغانستان معتقد است که به استثنای رساله های دکترای اسدالله شعور و ظریف صدیقی که در شهر دوشنبه منتشر شده اند اثرهای تحلیلی و آکادمیک (دانشگاهی) دیگری دنبال نشده است. تنها اثر پژوهشی در مورد افسانه های ایرانی نیز از جانب پژوهنده ی آلمانی اولریش مارزولف تحت عنوان طبقه بندی قصه های ایرانی (تهران ۱۳۷۱) با خصوصیات متن شفاهی فارسی رایج در ایران طبق کاتالوگ تامسون تالیف شده است.

روشن رحمانی می گوید واقعه های تاریخی در اوایل قرن بیستم ما را به گونه های مختلف از همدیگر دور ساخته است. اما دگرگونی های کنونی قرن بیست و یکم ما را وادار می نماید تا گذشته و امروز فرهنگ مشترک خود را بررسی کرده و ادبیات عامیانه را فولکلورشناسانه تحقیق و تحلیل نمائیم. روشن از محققانی همچون دیمیتری لیخایچوف روسی و فولکلورشناسان مشهور آلمانی یعنی برادران گریم مثال آورده است که باید مرکزی ساخت تا در آنجا زبان، فولکلور، زندگی، سنت، رسم، آئین و هنر مردم ثبت گردد. نمونه ی زیبائی را که روشن به دنبال پژوهش خود در سفر به جزیره ی قشم ایران با آن مواجه شده است واژه ی چیچیکا است که به معنی افسانه در آن جزیره برزبان ها جاری است.

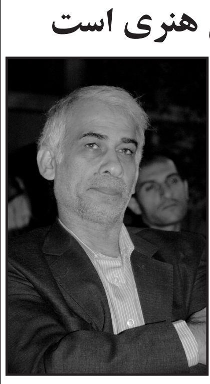
کتاب پژوهشی روشن رحمانی از Bibliography (کتاب شناسی) منابع و متون بسیار موثقی برخوردار است که کار پژوهشگران را در این راستا آسان می کند.

کارگاه داستان حوزه باز هم افتخار آفرید

هنرمندان کارگاه داستان نویسی حوزه هنری استان بوشهر ، در پنجمین جشنواره منطقه ای پایتخت پنجره ها موفق به افتخار آفرینی شدند. در آیین اختتامیه این جشنواره ، اکبر کنعانی با داستان "تک تیرانداز" موفق به دریافت جایزه اول و فرشته حاجی دیوجی با داستان "پشت خط" موفق به دریافت جایزه سوم بخش داستان شدند. شایان ذکر است، این جشنواره روز پنجم مردادماه در آبادان برگزار گردید.

رئیس حوزه هنری بوشهر:

دانشنامه استان بوشهر ماندگارترین فعالیت فرهنگی هنری است



رئیس حوزه هنری بوشهر گفت: دانشنامه استان بوشهر یکی از ماندگارترین و مؤثرترین فعالیت‌های فرهنگی هنری در این استان است.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، محمدحسین سیدزاده در نشست با کارکنان حوزه هنری و مدیرکل تبلیغات اسلامی استان بوشهر، گزارشی از برنامه‌های حوزه هنری را ارائه و سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌رو را تبیین کرد.

وی پس از معرفی توانمندی‌ها و موفقیت‌های واحدهای مختلف این حوزه در سال‌های اخیر، «دانشنامه استان بوشهر» را یکی از ماندگارترین و موثرترین فعالیت‌های فرهنگی هنری در استان دانست و خواستار حمایتِ مسئولان شد.

در ادامه این نشست؛ فرید میرشکار معاون فرهنگی حوزه هنری بوشهر نیز گفت: از خصوصیاتِ بارزِ آثار تولیدی حوزه همین بس که قابلیت در همه عرصه‌هاَ را دارد.

میرشکار، حمایت ویژه‌ای را برای تکمیل و راه‌اندازی کتابخانه تخصصی فرهنگ و هنر که تاکنون بیش از ۸۰ درصد کار آن به پایان رسیده، خواستار شد.

در ادامه این نشست، مدیرکل تبلیغات اسلامی استان بوشهر نیز ضمن اظهار خرسندی از این نشست صمیمانه، سیاست‌های فرهنگی و دینی سازمان را تشریح و در خصوص چگونگی اجرایی شدن و تحقق هنر اسلامی، مطالبی را مطرح کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالرضا سروستانی با اشاره به توانمندی‌های حوزه هنری در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری، خواستار تعامل و همکاری بیش از پیش کارشناسان حوزه هنری و پژوهشگران دینی اداره‌کل تبلیغات اسلامی شد.

« دشتستان در آینه ی شعر »

محمد غلامی: سلام . نظر به این که کتاب « دشتستان درآینه ی شعر » ، حاصل کوشش چند ساله ی اینجانب در دوفصل : شعر به زبان فارسی معیار و شعر به گویش محلی ، مراحل پایانی ویرایش را می گذراند ، و به منظور خدمتی شایسته ی دشتستان و جامع بودن آن کتاب ، از تمامی شاعران ، دوستان و علاقمندان به شعر ، درهر کجا که هستید ، خواهشمندم اگر شعری در اختیار دارید که اسم مکان خاصی از دشتستان (مثلا : برازجان ، دشتستان ، دالکی ، سعد آباد ، سه کنار ، طلحه ، باغ جنی ، شبانکاره ، تل مر ، ننیزک ، گوردختر ، گیسکان ، شاهزاده ابراهیم ، پـّراس یا یکی از هزاران مورد دیگر) در آن آمده باشد ، لطف کرده و هرچه زودتر آن شعر را با ذکر نام شاعر و نام ارسال کننده ، در اختیار اینجانب قرار بدهید . با سپاس نشانی :

۱ : www.bonargholami@gmail.com

شعرهای دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

شعری از ابراهیم سبحانی

آخر برای گریه ام یک شانه می خواهم که نیست
یک آشنای همدلی ، فتانه می خواهم که نیست
آه در نهادم می دود ، در کوچه های یاد تو
تا انقلاب گفتگو ، جانانه می خواهم که نیست
در این گلو چمبر زده بغضی نفس گیری عجیب
تا وارهم زین اختناق ، پروانه می خواهم که نیست
راه درازی رفته ام، پا تاولم باشد گواه
یک همسفر تا قاف عشق، دیوانه می خواهم که نیست
حالا رمیدم از خودم ، در پشت حسرت می خزم
در این سپنج زندگی ، دلخانه می خواهم که نیست
طفل دل است و گریه ها در ازدحام خاطره
آغوش گرم دیدنت ، کاشانه می خواهم که نیست
اینک میان جلجتا، همچون مسیحی بی قرار
تا برسر دارت شوم ، پیمانه می خواهم که نیست

***

کودک و جنگ
زهرا رضایی طرهانی

کلاه و پوتین جنگ
چقدر برای تو گشاد است
و تو همچنان
با دست چپ خبردار ایستاده ای
و قلب ات را محکم در دستان ات
می فشاری
پس، این سرخی نه از آتش گلوله
که پرتاب ضربان قلبت ات
برتپه های صورت زیبایت است
براق نگاه می کردی
تلخ لبخند می زدی
و کودکیت را با دلهره می شماری

***

شعری از موسی زنگنه

دریا بر پنج شنبه های ساحل نمک می پاشد
حالا ستاره های دریایی از آب بیرونند
شهر پنجره هایی خاموش در دستش
و سنجاقک ها به چه خواب خوبی رفته اند
شب روی شیشه های پنجره ای پافشاری می کند
پنجره ای و شاید پرده ای
و کسی آنسوست
با دستانی که روزی برایم تکان داده بود

******

تارا حیدری

بشقاب ها ترک برداشته اند
لیوان ها لب پریده اند
فنجان ها شکسته اند
باید سینک بزرگ تری بخرم
که گنجایش بغض های مرا داشته باشد!

***

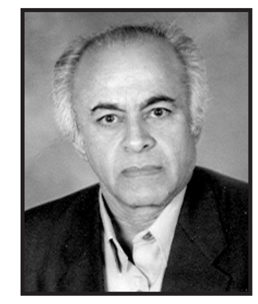
هاشم رنجبریان

دلیل حرف دیروزت نگاه سرد امروز است
درون حرف‌های ساده هم گاهی چه مرموز است
برایم دوست، دشمن شد، و دشمن دوست خواهد شد
کسی را دیده‌ای هرگز بگوید گرگ دل‌سوز است؟
اگر باران نمی‌بارد دلیلش از دل دریاست
از این کج‌خلقی دل‌ها دل ما عبرت‌آموز است
کشاورزم و می‌دانم زمین را شخم باید زد
همانند «مقلّب» که دعای وقت نوروز است
همیشه باغ لب‌هایم پر از سیبِ تبسّم‌هاست
ولی در خلوَتم دستانِ غم خیّاطِ لب‌دوز است
جدال عشق و منطق شد دلیل بی‌وفایی‌ها
میان سنگ با شیشه همیشه سنگ پیروز است
نشانی می‌دهد کانونِ آتش را زبانِ دود
ولی هرگز نمی‌گوید فلانی آتش‌افروز است

راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی آموزش و پرورش

به کوشش خلیل موحد

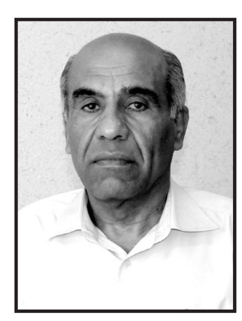
برای برون رفت از وضعیت فعلی آموزش و پرورش، به مقام های مسئول چه توصیه ها و راهکارهایی را ارایه می دهید؟ این سوالی است که با جمعی از پیشکسوتان آموزش و پرورش بوشهر در میان گذاشته شده است. شما را به خواندن نظرات این عزیزان دعوت می کنیم:



نجف آهوچهر دبیر سابق جغرافیا و مدیر پیشین دبیرستان های بوشهر:
آموزش و پرورش بنا بر خواسته های یک حکومت ممکن است نضج گرفته و یا نقصان پذیرد، پیشرفت کند یا پسرفت. ولی یک حکومت با منزلت از آموزش و پرورش پشتیبانی کرده و آن را در جایگاه شایسته، اصلی و واقعی خود قرار می دهد. در یک آموزش و پرورش علمی و کارآمد و فرهنگ ساز، دوراندیشی و حزم در مردم به وجود آمده و آزادی های مدنی و سیاسی نیز وسیله ی تهذیب فردی و اجتماعی می گردد، فساد و مسامحه کاری را از میان می رود و حکومت مؤثری بر اساس سواد و تعلیمات عمومی بنا می گردد. نظام آموزشی باید بی طرف و منطبق بر موازین عقلی و آگاه به درد اجتماعی و ملتزم به شکوفایی خرد جمعی و آزاداندیشی که در آخر به شکوفایی اقتصادی می انجامد باشد؛ زیرا سطح دانش، تخصص، مهارت و طرز فکر نیروها و منابع انسانی کشوراست که تعیین کننده ی چگونگی استفاده از منابع طبیعی کشور خواهد بود. بنا به گفته ی فردوسی بزرگ، توانایی به دانایی است.



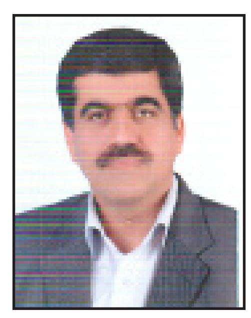
عالی بازدار رئیس سابق آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و رئیس کانون بازنشستگان بوشهر:
راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی آموزش و پرورش را می توان چنین برشمرد:
۱- در مصوبات یونسکو در اوایل دهه ۸۰ شمسی می خوانیم که: اگر می خواهید کشوری را سعادتمند کنید باید در آموزش و پرورش سرمایه گذاری کنید. به عبارتی دیگر سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و رشد اقتصادی ملازم یکدیگرند. مطابق بررسیهای یونسکو کشورهایی که روی منابع انسانی سرمایه گذاری کرده اند توانسته اند به رشد اقتصادی خود بیفزایند. در نتیجه، شهروندان از این پیشرفت بهره بردند. تحصیل کرده ها فرصت اشتغال پیدا کرده و درآمد بیشتر نصیبشان شد و به مدارج تحصیلی بالاتر رسیدند. آیا امروز ما چنین نگاهی به نیروی انسانی و بالاخص به آموزش و پرورش داریم؟
ما در کشوری زندگی می کنیم که استعداد پیشرفت همه جانبه در زمینه های فردی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، علمی و فرهنگی دارد. بنابراین، بیش از هر زمانی به شخصیتهای رشد یافته، به دلهای بیدار، مغزهای اندیشمند و دستهای توانا محتاجیم. و به دست آمدن همه ی اینها برمی گردد به نگاه ویژه به تعلیم و تربیت و نیروی انسانی و مقابله با چالش هایی که جلو پیشرفت ها رامی گیرد.
۲- دنیای نابرابر زندگی یک معلم که باید مولد باشد را با سایرین بنگرند و تا دیر نشده فکری کنند مثال: از فردی غیر آموزش و پرورشی پرسیدم مبلغ پرداختی شما بابت بیمه طلایی چقدر است گفت: هر نفر ماهی ۲۵۰هزار تومان. از ایشان پرسیدم از ما که حدود ۱۴ یا ۱۵ تومان در ماه کسر می شود. گفت: شما بیمه طلایی نوع دوم هستید و ما نوع اول هستیم در نتیجه خدماتی که به ما معلمان ارایه می شود هم نوع دوم خواهد بود!
۳- انتظارات نسبت به کیفیت آموزش رو به افزایش است. مردم به دنبال مدرسه ای هستند که کار کیفی بهتری ارائه دهد. زیرا هر جا پول بیشتری پرداخت می شود کیفیت بهتر ارائه می شود. بیایید فرصت های برابر را برای مردم ایجاد کنید.
۴- مسئولان باید به نقش حیاتی معلمان به عنوان عرضه کننده ی دانش و ارزش باور داشته و این باور باید در عمل و با رفع تبعیض از معلمان نمود یابد.
۵- در نظام تعلیم و تربیت که آموزگاران و دبیران و متولیان آن به علت تنگناهای معیشتی نگاهی، محدود به سوی تحقیق و پژوهش دارند و بعضاً به شغل های مکمل نیز روی می آورند نمی توان امید به تولید و پرورش دانش و پژوهش داشت. در سه دهه ی اخیر ما شاهد حضور آدم ها و گروه های متفاوت در رأس آموزش و پرورش بوده ایم که هرکدام برنامه ی خاص خودش را دنبال کرده و برای اجرای آن نیز هزینه های سنگینی بر نظام آموزشی تحمیل شده است. در این راستا به اموری نظیر افزایش کیفیت آموزشی و جلوگیری از افت تحصیلی، اصلاح بروندادهای آموزش و پرورش و تنگناهای معیشتی معلمان و... چندان اعتنایی نشده است. یکی از وظایف اساسی مسئولان چه رئیس جمهور و چه وزیر آموزش و پرورش رسیدگی به شرایط اقتصادی و رفاهی و رفع نابسامانی های معلمان است این موضوع در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز آمده است.



عبدالحسین کنین دبیر جغرافیا و مدرس دانشگاه فرهنگیان بوشهر:
گرچه توصیه ها و تجربیات اینجانب در جواب سئوال های اول و دوم ذکر شده، اما برخی دیگر از نکات مورد نظر عبارت اند از:
۱-بازنگری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بررسی معایب و مشکلات آن با بهره گیری از سیستم های علمی و آموزشی کشورهای پیشرفته با حفظ هویت ملی و مذهبی.
۲- سرمایه گذاری علمی جهت تأمین منابع انسانی فعالی، خلاق و متخصص از طریق تربیت معلم (دانشگاه فرهنگیان) و انتخاب دانش آموزان ممتاز و علاقه مند به کار معلمی و آموزشی و دادن امکانات لازم جهت تربیت آنها.
۳- انتخاب مدیران مدارس براساس ضوابط علمی و آموزشی. سابقه ی آموزشی، بنیه علمی، خلاقیت و ارتباطات اجتماعی و... می تواند در انتخاب مدیران مؤثر باشد.
۴- از بین بردن دغددغه های مالی معلمان و فراهم نمودن شرایط آموزشی مناسب با توجه به استانداردهای جهانی.
۵- آشنایی معلمان با فناوری های مدرن روز و به کارگیری این فناوری ها در کلاسهای هوشمند.
۶- گرایش به سمت کلاسهای درسی علمی، پژوهشی به جای تئوری محض، و تقویت روحیه ی پژوهشگری و تحقیق در مدارس.
۷- نظارت جدی بر مدارس غیرانتفاعی و در صورت لزوم حذف برخی از آنها.
۸- نظارت مؤثر بر آزمون های نهایی مدارس.
۹- ایجاد انجمن صنفی فعال معلمان برای پیگیری خواسته های معلمان برای تحقق اهداف آموزشی.
۱۰- تغییرات عمده در فضای فیزیکی مدارس جهت تولید و پرورش نشاط و سرزندگی فراگیران و....



احمد سبحانیان معاون سابق آموزش و پرورش استان و رئیس سابق آموزش و پرورش شهرستان بوشهر:
۱- تغییر و تحول اساسی در گزینش معلم و مربی، انتخاب معلمین از بهترین ها و نخبگان بدون حساسیت در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی افراد. با تغییر نام مؤسسات آموزشی معلمین- برای مثال تغییر نام تربیت معلم به دانشگاه فرهنگیان- ،مشکلی حل نمی شود.
۲- ارتقاء کیفیت فرآیند آموزشی و پرورشی از طریق واگذاری مدیریت مدارس به مؤسسات آموزشی و نیروهای کاردان فرهنگی، البته با سیاست گذاری، حمایت و نظارت دقیق وزارت آموزش و پرورش.



علی دباش مدیر سابق هنرستان جابربن حیان و معاون سابق آموزش و پرورش شهرستان بوشهر:
به نظر من راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی آموزش و پرورش بطور خلاصه عبارتند از:
۱- برگزاری گروه های آموزشی در مدارس- شهرستان- استان برای ارائه ی راه حل.
۲- برگزاری منجسم گروه های مدیران در سطح شهرستان - استان و کشور برای رفع مشکلات.
۳- تقویت انجمن اولیاء و مربیان برای کمک به مدارس در زمینه های مختلف.
۴- انتصاب رؤسای مدارس، شهرستان، مناطق و استان بر اساس شایسته سالاری و سوابق ارزنده خدمتی و مدیریتی (از سربازی به سرداری).
۵- عدم توجه به گروه های فشار جهت انتخاب و انتصاب مدیران.
۶- اختصاص بخشی از درآمد هر استان به آموزش و پرورش و مدارس جهت بهبود امور. مثلاً آموزش و پرورش بوشهر از درآمد گمرک- شیلات- نفت و گاز بهره مند شود.



ابراهیم گرمساری دبیر سابق زبان و ادبیات فارسی:
۱- دعوت از پیشکسوتان که روزی بر مصدر کاری مهم بوده اند و راز و رمز موفقیت یا شکست را در حیطه ی کاری خود به خوبی می دانند و مشاوره مداوم با آنها.
۲- برقراری رابطه میان مدیران مدارس و اداره های شهرستان ها و استان با فرهنگیان با تجربه و کاردان.
۳- به کارگیری مدیران شایسته بر مبنای شایسته سالاری واقعی(نه هرکه سر بتراشد قلندری داند) و عدم توجه به مدیران شعاری یا ستادی.
۴- حمایت از کانون ها و اتحادیه های مستقل معلمان و برداشتن موانع اداری برای فعالیت آن ها و کمک به تشکیل احتمالی انجمن های صنفی جدید.
۵- سروسامان دادن به مدارس غیرانتفاعی. این مدارس برخلاف عنوانشان انتفاعی تر از همه هستند.
۶- نهادینه کردن تربیت مقدم بر تعلیم به صورت عملی و ایجاد نظم و قانون در میان متعلمان با تصویب نامه ها و پیگیری های مستمر.

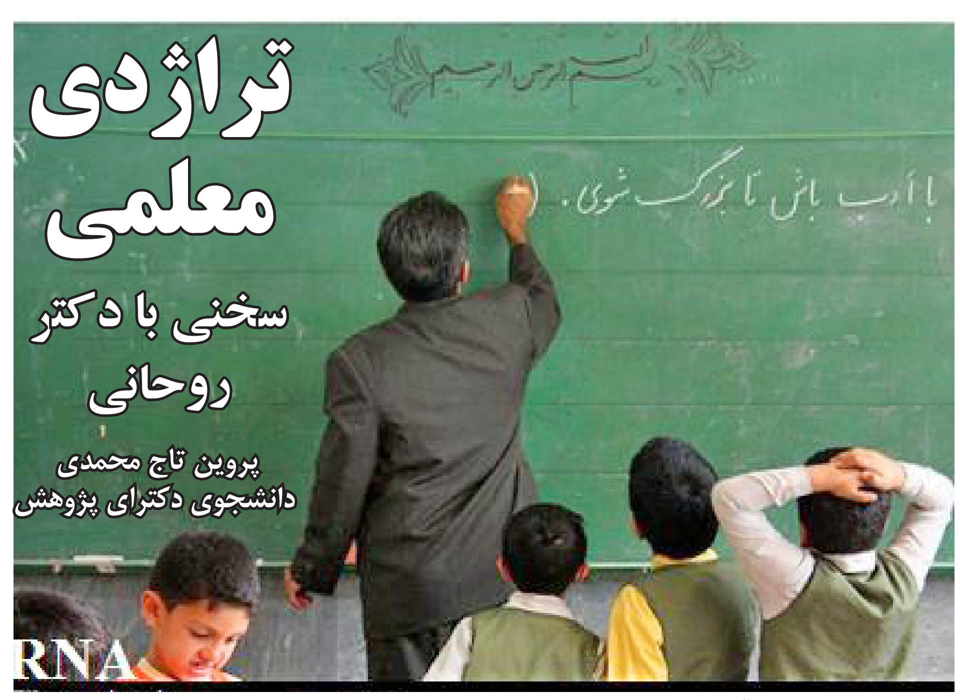


اکبر نهاری مدرس زبان و ادبیات فارسی:
بی توجه ای به شایسته سالاری و استفاده از مدیران ناتوان در سطوح مختلف که باعث انحطاط آموزش و پرورش شده است. تا زمانی که آموزش و پرورش از بهترین تولیدات خود بی بهره است و همیشه تقریباً بدترین تولیدات خود را در اختیار می گیرد و نخبگان تربیت شده اش جذب سازمانهای دیگر می گردند، نمی توان آموزش و پرورش پویا داشت، بنابراین توصیه می شود مسئولان تربیتی بجویند که آموزش و پرورش از نخبگان تربیت شده ی خود بهره مند گردد. لازمه ی این اجرای این برنامه البته برابری امکانات در همه ی سازمان ها می باشد.علاوه بر آن، مدیرانی شایسته برای آموزش و پرورش انتخاب نماید که از بطن این سازمان بیرون آمده و درد آشنای آن باشند.

توجه نکردن به رشته های ریاضی و تجربی در شهرستان عسلویه

بی توجهی آموزش و پرورش به تربیت نیروی انسانی در عسلویه

منطقه ویژه پارس جنوبی یکی از مناطق مهم استحصال گاز و محصولات پتروشیمی دنیا است. چراکه حوزه ی گازی کشور قطر و ایران یکی از بزرگترین حوزه های گازی جهان است که قسمت شمالی حوزه (پارس جنوبی ایران) متعلق به ما و در اختیار ایرانی هاست.
این حوزه در شهرستان عسلویه است. ۱۵ سال از اولین کلنگ ساخت منطقه گازی در اینجا می گذرد. در این سالها نیاز به متخصصین ، مهندسین و نیروی ماهر برای کار در شرکت های مجاور به شدت احساس می شد. بسیاری از مدیران شرکت ها ، نداشتن تحصیلات عالی و مدرک را بهانه ای برای استخدام نکردن نیروی بومی منطقه عنوان می کردند. در حالی که تحصیل کرده های شهرستان عسلویه از نوابغ جنوب هستند. و در دانشگاه های مختلف تحصیل کرده اند. این مهندسین کار یک سال و دو سال گذشته یا تلاش چند روز گذشته ی فلان آدم نیست! بلکه حاصل زحمات و تلاش خود آنها، مدیران مدارس، مسئولین اداره آموزش در چندین سال گذشته که از آنها نیروی کار زبده ساخته است. این مهندسین امروز ، در کلاس های بخش چاه مبارک و شهرستان عسلویه درس خوانده اند.
متاسفانه در سه سال اخیر شاهد مواردی بسیار تاسف برانگیز در این شهرستان مهم هستیم. با وجود اینکه عسلویه مهد گاز ایران و نیازمند نیروی کارآمد در سالهای متمادی است اما در بازه ی زمانی اخیر کمتر کسی به تربیت دانش آموزان فعال و نابغه پرداخته است. با وجود این نیازها برای تزریق نیروی کار به شرکت های مستقر در منطقه در سالهای آینده اما خبری از رشته ی ریاضی فیزیک و تجربی نیست! درحالی که سالهای قبل از آن رشته ی ریاضی و تجربی دانش آموختگان زیادی را به دانشگاههای مختلف کشور تقدیم کرده است! در بخش چاه مبارک و در مدرسه شهدای نفت (گاز) چندین سال بود که دانش آموزان به عشق این رشته به مدرسه می آمدند. اما حالا دانش آموزان این منطقه به شهرهای مجاور در استان های فارس و هرمزگان مسافرت کرده و درس خود را ادامه می دهند چراکه در منطقه خودشان رشته ی ریاضی و فیزیک دایر نمی شود.
آنها به اجبار این کار را می کنند. درحالی که تعداد این دانش آموزان در کلاس های درس ریاضی و فیزیک در شهرهای استان های مجاور به بیش از ۵۰ درصد می رسد! به این معنا که تعداد دانش آموزان خواهان این رشته در شهرستان عسلویه کم نیستند اما به دلیل بی توجهی آموزش و پرورش مجبور به طی کردن مسافت های طولانی و خروج از استان برای تحصیل در رشته ی مورد علاقه هستند.
لازم به ذکر است شهرستان عسلویه از نظر امکانات آموزشی در جایگاه نسبتا خوبی قرار دارد. در پایان این سوال مطرح می شود که آیا توجه نکردن به رشته های ریاضی و تجربی در شهرستان عسلویه به این معناست که ما در آینده ای نزدیک دکتر و مهندس بومی نمی خواهیم ؟؟
منبع: وبلاگ اینجا بندوست!



«شکسلی» جامعه شناس آلمانی گفته است که استعداد و برخورداری از آموزش و پرورش و سطح فرهنگ از علائم «تشخص» است. تشخصی که جای اصل و نسب و ثروت خانوادگی دیروز را گرفته است. بالا بودن سطح آموزش و پرورش و میزان باسوادی در میان مردم به ویژه در کشورهای در حال «رشد» مایه اصلی و شرط لازم رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.
آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه (ایران و...) به سرعت جزء مسئولیتهای دولتها درآمده و دولتها نیز سعی دارند برای جلب مشارکت مردم و تحکیم بیانی قدرت خود، به گسترش آموزش و پرورش اقدام نمایند. در کشورهای در حال رشد، فشارهای سیاسی گروههای پیشرو باعث شده است که دولتها به گسترش آموزش و پرورش و ریشه کنی بی سوادی توجه بیشتری مبذول دارند. در کشور ما سعی بر این است که تا پایان قرن چهاردم هجری بیسوادی توده مردم را ریشه کن شده و یا میزان آن را حداقل کاهش دهند. قطعاً دستیابی به این اهداف مستلزم وجود نیروی انسانی ماهر، راغب و دلگرم و با اراده ملی و آگاه به اهمیت مسئله است. آموزش و پرورش به مثابه مثلثی است که یک ضلع آن معلم، ضلع دیگر دانش آموز و ضلع سوم آن آموزش است و نیروی آموزش دهنده و به تعبیر مشهور آن «معلمین» در رأس این هرم قرار گرفته، به صورتی راهبردی، جریان یاددهی و یادگیری را مدیریت می کنند. بالطبع در مسیری که شکسلی به آن اشاره دارد یعنی « به تشخص رساندن» جوامع و دستیابی به رشد توسعه اقتصادی و انسانی «معلم» از اساسی ترین مؤلفه ها برای دستیابی به این اهداف است. سرمایه گذاری بر روی رشد و ارتقاء استعدادهای بالقوه معلمین و تجهیز آنان به «عنصر پژوهش های علمی» و ارضاء ابعاد اقتصادی و معیشتی این قشر در آمریکا و اروپا، از اهم برنامه ریزی های کلان دولتها بالاخص در زمینه تربیت نیروی انسانی ماهر و تشکیل «اتاق های فکر» در درازمدت می باشد.
از دهه ۶۰، در جامعه اسلامی تازه بنیان ایران، از جمله نهادهایی که دستخوش تغییرات و تحولات اساسی گشت، آموزش و پرورش است. این تغییرات در سه بعد قابل بررسی است. تغییراتی که عملاً ضرب العجلی صورت گرفته و هر بار دستخوش رویکردهای جدید دولتهای بر سرکار آمده شده است و تبعات این تغییرات آنی، یک تراژدی بسیار غم انگیز از شغلی است که مرتباً از آن با این تعبیر زیبای حضرت امام «قدس» یاد می شود «معلمی شغل انبیاء است».
در بعد گزینش معلمین از دهه ۶۰ تا دهه ۹۰ شاهد دو رویکرد کاملاً متضاد هستیم. از دهه ۶۰ تا ۷۵ گزینشها از حیث عقیده مناسبات و بیوگرافی های نیروهای ورودی بسیار دقیق و در پاره ای موارد همراه با مماشات بود. فارغ التحصیلان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم از لحظه ورود به مراکز تحصیلی زیر ذره بین بوده تا زمانی که به استخدام آموزش و پرورش درآمده، مجدداً گزینش و مورد مصاحبه قرار می گرفتند. گزارشات منفی که برای یک دانشجو طی دوره تحصیلی، ارسال می شد در گزینش او بسیار مؤثر بود. این بود که آموزش و پرورش پذیرای معلمینی بود که بسیار محتاط، فعال و نکته بین بودند. آنها در سیستمی رشد کرده بودند که همه چیزشان آنالیز می شد و از هزاران فیلتر عبور می کردند و رسیدن به سکوی معلمی برایشان رویایی زیبا و دست نیافتنی بود. کارورزی و گزارش معلمی و ارائه طرح تدریس از سوی یک «دانشجوی معلمی» عمده ترین فعالیت یک معلم، قبل از ورودی به سیستم آموزشی بود.
اما از دهه ۷۰ تا ۹۰ رویکردی توأم با تساهل در استخدام و گزینش معلمین به چشم می خورد. رویکردی که ریشه در عدم وجود رشته های تربیت معلم در دانشگاهها و پذیرش محدود مراکز تربیت معلم و ورود نیروهای حق التدریس بدون هیچ گونه پیشینه علمی- معلمی، است. نیروهایی که بعضا تنها با یک آزمون و با لحاظ مؤلفه های خاص غیرعلمی، به سیستم آموزشی وارد شده و تراژدی معلمی آنجا شروع می شود که این نیروهای تازه وارد، طی یک دهه، معلمی، روش تدریس و کلاس داری را با دانش آموزان تمرین و تجربه می کنند. متعلق بودن به نهادهای خاص، و تنها داشتن یک مدرک کارشناسی کلید ورود به عرصه معلمی است. گزینش های صورت گرفته نیز با توجه به اینکه فرد مصاحبه شونده متصل به چه گروه و مجرایی است با تساهل کامل صورت می گیرد. نیرویی که فاقد دوره های کارورزی طی یک دوره دو ساله و یا چهار ساله است.
سال گذشته نیمی از نیروهای قراردادی ادارات آموزش و پرورش که جزء نیروهای اجرایی محسوب می شوند به صورت ضرب العجلی برای تدریس پایه های اول و ششم جدید، به تدریس گماشته شدند. دو پایه بسیار حساس و حیاتی برای یک یادگیرنده. در واقع این عزیزان یک دهه طول می کشد تا بتوانند خود را به عنوان یک معلم با ویژگی «معلم مدبر» پیدا کنند.
در بعد دانش آموزی نیز سیستم آموزشی شاهد تحولی عظیم بوده است. تحولی به نام «حاکمیت فضای دانش آموز محوری» بر مدرسه، کلاس و آموزش. معلمین محتوم و مختوم به قبولاندن دانش آموزانند. در سیستم آموزشی ۲۰ ساله اخیر، دانش آموز و اولیاء حرف اول و آخر را در آموزش زده و آنها هستند که تعیین می کنند یک معلم چگونه درس دهد، کلاس را اداره کند و چگونه نمره دهد. اعتراض معلم به حرکتی ناخوشایند از یک دانش آموز او را به دادگاه اداری و بازرسی راهی می سازد. زیرا اولیاء و دانش آموزان عادت کرده اند که معلم تنها یک مبصر است و بس. معلم خوب باید پذیرای هر حرکت ناصواب و غالباً توهین های اولیاء باشد تا مصداقی از معلمی باشد که شغلش، شغل انبیاء است. هیچ دادگاهی برای پاسخ گویی به مشکلات این گروه وجود ندارد. اگر معلمی جواب تلفن دانش آموزی را ندهد به عناوین مختلف زیر سؤال است. حاکمیت فضای دانش آموز محوری منجر به تضعیف کرامت معلمی و هم چنین تضعیف جریان یاددهی و یادگیری شده است.
بعد معیشتی و اقتصادی، اما تحولی شگفت انگیز داشته تا آنجا که در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد طی «قانون نظام هماهنگ حقوق» حقوق معلمین با هر مدرک و سابقه ای با پایین ترین فرد از حیث مدرک و یا سابقه هم طراز شد. تفاوت فاحش حقوق معلمین با سایر وزارتخانه ها سبدهای کالایی که به مناسبتهای مختلف داده می شود و از کیفیت بسیار نازلی برخوردار است، دیر دادن حقوق این عزیزان به بهانه های گوناگون، گرفتن مبلغی از معلمین برای دادن سبد کالاهای فرسوده و خارج از رده، از مشخصه های اعتناء و امتنان به وضعیت معیشتی معلمین است.
اولیایی که ادعا می کنند معلمین فرزندانشان را به کلاسهای خصوصی ترغیب می کنند بدانند که معلمین نمی توانند مسافرکشی کنند به عنوان شغل دوم... به جای آن برای گذران اموراتشان مجدداً معلمی می کنند آن هم در لوای کلاس خصوصی. در ژاپن، روسیه و آمریکا معلمین از حیث اقتصادی در یکی از گروههای مرفه محسوب می شوند و به همین دلیل رغبت و تمایل به تدریس و وجدان کاری دستخوش فقر و نداری نمی گردد.
جمله «معلمی شغل انبیاء است» توجیهی است برای تمام نداشته هایی که آموزش و پرورش بر معلمین این مرزوبوم تحمیل کرده است.

نگاهی به کانون بازنشستگان آموزش و پرورش استان بوشهر

خلیل موحد



در فاصله ی سال های ۷۸ تا اواخر سال ۸۳ و در چارچوب رسالت روزنامه نگاری و در کادر ایفای مسئولیت خود در برابر معلمان گران ارج استان، با مصاحبه با تعدادی از آنان و چاپ دیدگاه های شان در هفته نامه ی نسیم جنوب، به معرفی و بازخوانی تجربه ها و دستاوردهای فرهنگیان پیش کسوت که بخشی از تاریخ آموزش و پرورش استان نیز محسوب می شود پرداختم. در مرداد ماه سال ۷۹ نیز با گفت و گو با برخی از اعضای هیأت مدیره ی کانون تازه تأسیس بازنشستگان آموزش و پرورش استان بوشهر، خوانندگان گرامی نسیم جنوب را اندکی در جریان چگونگی تولد، روند و عملکرد آن کانون گذاردم. کانون یادشده در عصر اصلاحات- یکی از دوران های احیا و زایش نسبی و تأثیرگذاراحزاب و تشکل های سیاسی و صنفی کشور - در پاییز سال ۷۸ به همت معلمان بازنشسته ی استان و با همکاری مسئولانه ی سعید زرین فر رئیس وقت سازمان آموزش و پرورش استان به خانواده ی نهادهای مردم بنیاد پیوست. کانون بوشهر در واقع شعبه ای ازکانون مرکزی بازنشستگان آموزش و پرورش کشور مستقر در تهران به حساب می آید. کانونی که به عنوان تشکلی صنفی،غیرسیاسی و غیرانتفاعی تعریف و مجوز قانونی برای فعالیت خود و شعبه های زیر مجموعه اش را از وزارت کشور دریافت کرده است. نخستین انتخابات کانون استان اما در دوم آذر سال ۷۸ در سالن باهنر برگزار شد، که در آن حیدرعرفان، محمد جواد سیار، سیدعباس شاهروبندی، علی جهان افروزیان، ناصرعیلخواه، رستم طفرمند و محمد تقی برکت به عنوان اعضای اصلی هیأت مدیره، مرحوم غلامعلی شیرکانی و حسین ابراهیمی به عنوان اعضای علی البدل، صفرپاکار و بهزاد بهزادی به عنوان بازرسین اصلی و حسین قلی زاهدی به عنوان بازرس علی البدل برگزیده شدند. با استعفای سیار از ریاست هیأت مدیره، عرفان در فروردین ۷۹ جانشین وی گردید. در سال های پسین گرچه تغییراتی در ترکیب هیأت مدیره رخ داد، ولی جهان افروزیان، ظفرمند، برکت، ابراهیمی، پاکار، شیرکانی و علیخواه هم چنان در هیأت مدیره حضور داشتند. در این میان، شیرکانی بدرود زندگی گفت و علیخواه نیز- به روایت خودش- به علت اختلاف نظر با دیگر اعضای هیأت مدیره و البته بدون این که رسماً استعفا دهد، در عمل در جلسات هیأت مدیره حضور نیافت. تغییرات عمده در ترکیب هیأت مدیره اما با ورود چهرهای جدید- که در سال های اخیر از عرصه ی اشتغال درآموزش و پرورش به دنیای بازنشستگی نقل مکان کرده بودند- به میدان انتخابات هیأت مدیره ی کانون، در دی ماه سال ۹۰ رخ داد و عالی بازدار، محمد کاظم حق شناس، نعمت الله شیخ سقا، فاطمه فروزانی، خضر زنده پی و عبدالرسول زاهدی وارد هیأت مدیره شدند، علی جهان افروزیان نیز باردیگر به عضویت هیأت مدیره درآمد. محمد تقی برکت و مهری منصور نژاد عضو علی البدل شدند و نجف آهوچهر و علی دباش بازرسین اصلی.
در انتخابات درونی هیأت مدیره نیز عالی بازدار به عنوان رئیس هیأت مدیره ، حق شناس به عنوان نایب رئیس و مسئول کمیته ی فرهنگی، شیخ سقا به عنوان خزانه دار و مسئول کمیته ی اقتصادی و مالی، فروزانی به عنوان مسئول کمیته ی بانوان، زنده پی به عنوان مسئول کمیته ی ارتباطات و سازماندهی کانون های مناطق استان و رسول زاهدی به عنوان مسئول کمیته ی رفاهی انتخاب شدند. اینک پس از گذشت بیش از ۱۳ سال از مصاحبه ی پیشین ما با مسئولان وقت کانون، پای صحبت عالی بازدار رئیس فعلی کانون می نشینیم تا بیشتر با اهداف، عملکرد و نیازمندی های کانون و نیز مطالبات فرهنگیان بازنشسته آشنا شویم، بازنشستگانی که مانند دوران خدمت شان، هم چنان از تبعیض و نابرابری که در حق آن ها روا شده در رنج و عذاب اند.
(این مصاحبه را می توانید در صفحه دوم همین شماره نسیم جنوب بخوانید.)
این بی عدالتی آشکار چه از نظر میزان پاداش پایان خدمت جان فرسای سی ساله و چه از نظر مبلغ حقوق دوران بازنشستگی، شوربختانه هم چنان ساری و جاری است و تاکنون اراده ای نیز برای ختم این تبعیض های تحقیرآمیز وجود نداشته است. مصاحبه ی ما با بازدار در محل کوچک و دو اتاقه ی! کانون در خیابان ورزش رو به روی ساختمان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد برگزار شد. محل کوچکی که گرچه شاید در حال حاضر به یکی از معدود پناهگاه های معلمان بازنشسته شهرستان بوشهر تبدیل شده ولی به هیچ روی درخور شوکت آموزش و پرورشی های بازنشسته ی شریف بوشهر نبوده و در برابر عظمت آنان، به حق، احساس حقارت می کند. به نظر می رسد که تغییر در این وضعیت و در اختیاردادن مکانی مناسب و هم تراز با منزلت فرهنگیان مانند بخش قدیمی و تاریخی دبیرستان سعادت- که خواست عموم معلمان بوشهر نیز است - نیازمند اراده ی قاطع مدیریت اداره ی آموزش و پرورش شهرستان بوشهر و مدیرکل آموزش و پرورش استان می باشد.

احساس تعلق خاطر مردم هلیله و بندرگاه و تبدیل آن به یک فرصت

سید جمال الدین عارف زاده مدرس دانشگاه ومشاور کارآفرینی



مدت زوانی است که بحث انتقال دو روستای هلیله وبندرگاه در کنار شهر بوشهر در دستور کار قرار گرفته است، از اینکه هیچ منطقه مسکونی نباید در شعاع نیروگاه باشد هیچ شکی نیست و این موضوع امری طبیعی ، جهانی وعلمی است.

قصد برگشت به عقب را ندارم که چرا نیروگاه را در این مکان ایجاد کرده اند ویا اینکه کار میکند یا نمی کند و حتی اینکه قرارداد دوم نیز در حال انعقاد می باشد. هدف من تغییر مکان مردم است که هویت بوشهری دارند و در شناسنامه آنان قید گردیده حوزه ۲بوشهر ، و اگر اندکی دقت نیز داشته باشیم شهرت هایی را در آن منطقه میبینیم که خاص هستند ودر تمام شهر بوشهر گسترش پیدا کرده ضمن اینکه هویت آنان که اهل آنجا هستند کاملا مشخص است مانند شهرت های صفوی ،حسن ابراهیمی ، قدیمی ، انصاری و......

بدیهی است اگر آنان به مکانی منتقل شوند که فرزندانشان دیگر نام بوشهر را نتوانند در شناسنامه خود داشته باشند، در واقع هویت را از آنان گرفته ایم و این ظلمی است آشکار در حق مردمی که با قدمت طولانی در این منطقه زندگی کرده اند و عمدتا به شغل صیادی مشغول بوده اند ضمن آنکه جمعیت زیادی نیز میباشند. نکته دیگر که از موضوع اول برای مردم بوشهر حیاتی است توجه به رویکرد اقتصادی موضوع است، این دو روستا به ویژه بندرگاه نقش عمده ای در تامین غذای دریایی مردم بوشهر دارند که خارج نمودن آنان از دسترس شهر بوشهر در نوع خود نوعی آسیب اقتصادی به شهر بوشهر است .

تعداد شناورهای بندرگاه اگر بیشتر از سایر اسکله های بوشهر نباشد ،کمتر هم نیست لذا این موارد ،توجه به چند نکته را حائز اهمیت مینماید:



۱- احساس تعلق خاطر مردم این دو روستا به شهرستان بوشهر که خود را بوشهری میدانند و حاضر به جدا شدن از هویت خویش نیستند. ۲- توجه به اقتصاد شهری به عنوان روستاهای مولد مواد غذایی دریایی در شهرستان بوشهر با توجه به اینکه تعداد روستا در شهر بوشهر بسیار کم است. ۳- پیشگیری از فرهنگ وخرده فرهنگ موجود در این دو روستا که در برخی موارد منحصر به خود است و بی توجهی به این موضوع نوعی فروپاشی فرهنگی محسوب میشود.

اما سوال این است چه کار کنیم که علاوه بر انتقال منطقی آنان که گریزی از آن نیست رضایت مردم را داشته وهم از پتانسیل اقتصادی آنان بهره مند شویم؟

مدت زمانی است که اداره بندر بر روی جزیره نگین کار کرده و ضمن تسطیح با یک جاده آسفالته آن را به جاده عباسک و شیف وصل نموده که مسافتی بسیار کوتاه دارد، همانطور که میدانیم خور طبیعی بوشهر عرض چندانی ندارد و این خور بین دو منطقه شهر بوشهر و جزیره نگین و عباسک و شیف واقع شده است ، اگر کمی دقت نماییم متوجه خواهیم شد که یک فرصت استثنایی با هزینه ای نه چندان زیاد پیش روی ماست که اگر به خوبی به آن توجه نماییم نه تنها مشکل هلیله وبندرگاه را حل میکنیم و آنان را به عنوان دو روستای مولد بوشهر از دست نمی دهیم، بلکه مشکل عباسک و شیف را نیز حل کرده و این منطقه را به یک فرصت استثنایی برای رشد و گسترش در هر زمینه ای تبدیل میکنیم.

آنطور که گفته میشود و در برنامه های بلند مدت وجود دارد قرار است جزیره شیف از یک پل طویل دریایی به جزیره شیف از سمت شمال شهر وصل شود که به هر طریق باشد باید پل متحرکی برای گذر کشتی ها به سمت خور بوشهر در نظر گرفته شود چون در غیر اینصورت بندر بوشهر تعطیل میشود.

همه میدانیم این فکر رویایی بیش نیست و بهتر بگویم قابل تحقق نمی باشد. نگارنده با دقت مسیر جاده شیف و بعد فرعی جزیره نگین را تا دهنه خور بوشهر طی نموده واحساس کردم چه فرصت گرانبهایی وجود دارد ، همانطور که میدانیم کشور ما در صنعت پل سازی از قدمت و قدرت بالایی برخوردار است و نگاهی که به عرض خور می اندازی متوجه میشوی نصف کارون هم نیست و باسرعت و هزینه کم به راحتی میتوان با یک پل متحرک بوشهر را به جزیره نگین و بلاخره عباسک و شیف وصل نمود که شاید مسیر شیف به مرکز شهر را به ده دقیقه برساند که بسیار توجیه اقتصادی دارد و با انتقال دو روستای هلیله و بندرگاه به نزدیکی شیف که به راحتی قلبل رویت است وجزء بوشهر نیز میباشد همه شرایط مفید را فراهم آورد.

قابل ذکر است جزیره شیف فاقد اسکله صیادی می باشد و با ایجاد یک اسکله صیادی بزرگ مقدمات بهره گیری از اسکله را برای همه فراهم آورد و در واقع با یک هزینه چندین فرصت بسیار مهم را فراهم آورده و زمینه اشتغال و درآمدزایی را در آنجا فراهم آوریم. قابل ذکر است بنیاد مسکن در آن منطقه املاک زیادی دارد که به راحتی میتواند قابل واگذاری باشد. به شما اطمینان میدهم با اجرای طرح پل که بیش از یک سال وقت نمیبرد و تعریض آسفالت، تمام سکنه آن دست خور، در ده دقیقه در مرکز شهر میتوانند حضور یابند و چهره بوشهر را به یک شهر توریستی تبدیل نماید، ضمن آنکه میتوان با نقشه طرح جامع بهترین نمای شهری را در آنجا بوجود آورده و مقدمات سر ریز شهری را به آن قسمت نیز فراهم آورد.

مرگ برادر ٤ ساله توسط برادر ٦ ساله در آبدان

حیدر منصوری رئیس شورای اسلامی شهر آبدان در گفتگو با دوراهک نیوز گفت: محمد مهدی و محمد هادی فرزند غلام دو برادر ۶و ۴ ساله که روزها به همراه هم در خانه پدری به بازی های کودکانه مشغول می شدند اینبار در حالی که پدر و مادر آنها در خارج از خانه به سر می بردند به بازی همیشگی خود مشغول میشوند . تفنگ بازی . ابتدا توسط وسایلی که در خانه موجود بوده با کمک همدیگر دو سنگر و تفنگی از چوب می سازند و با هم چند دقیقه ای بازی می کنند که ناگاه چشم برادر بزرگتر به تفنگ بادی که در خانه گذاشته بود می افتد و به سوی برادر بزرگتر در حال بازی نشانه میرود و بسوی برادر بزرگتر شلیک می نماید که تیر خارج شده از اسلحه به قلب برادر کوچک اصابت میکند واو را به کام مرگ می کشاند. .مادر به محض ورود به خانه و با دیدن همچون صحنه دلخراشی فورا با اورژانس ۱۱۵ تماس می گیرد اما متاسفانه دیگر فرصتی برای محمد هادی برای رسیدن به بیمارستان و برگشت دوباره او به زندگی باقی نمانده بود. و این بار نیز سهل انگاری خانواده ای برای وسایلی که نباید در دسترس کودکان قرار گیرد جان فرزندی را گرفت و خانواده ای را داغدار کرد. پیکر بی جان محمد هادی امروز عصر بر دستان مردم شهر آبدان و شهرهای اطراف تشییع و به خاک سپرده شد.

رئیس شورای بخش چاه مبارک عسلویه در مصاحبه با نسیم جنوب:

برای رفع محرومیت، مردم عسلویه از دولت تدبیر و امید، انتظار دارند

رئیس شورای بخش چاه مبارک عسلویه در مصاحبه با نسیم جنوب درباره الحاق استان فارس به دریا از طریق استان هرمزگان گفت: حقیقتا این بحث، بحث قدیمی است و نظر مسئولین علی الظاهر نسبت به محدوده استان بوشهر نیست یعنی در محدوده استان هرمزگان است. حالا این که فارس به دریا ارتباط داشته باشد یک بحث قدیمی بوده و آن چه که ما اطلاع داریم این است که ظاهرا بحث الحاق قسمتی از استان هرمزگان به استان فارس منتفی شده چرا که اهالی چند روستای الحاقی استان هرمزگان اعلام نارضایتی کردند و گویا بحث منتفی شده است.

بوهندی کمالی در خصوص احتمال راه اندازی بندر آزاد توسط استان فارس در کنار عسلویه اظهار داشت: ما سال های سال است در اکثر جلساتی که داریم یکی از موضوعاتی که برای شهرستان عسلویه مطرح و درخواست داریم تبدیل عسلویه به عنوان بندر آزاد است و با توجه به منطقه انرژی پارس که موجود است می طلبد که منطقه آزاد در کنارش باشد، ولی تا الان موفق نشده و این موضوع مورد موافقت مسئولان قرار نگرفته است. متاسفانه علیرغم پیگیری هایی که شده تا الان موفق نشده ایم و امیدوارم این امر در دولت تدبیر و امید محقق شود. حالا عجیب است که با وجود مخالفت با ایجاد منطقه آزاد در عسلویه، چگونه ممکن است به استان فارس اجازه داده شود تا در چند متری شهرستان عسلویه، منطقه آزاد ایجاد نمایند.



رییس شورای بخش چاه مبارک با اشاره به عملکرد دولت احمدی نژاد در دولتهای نهم و دهم در شهرستان عسلویه گفت: حقیقتا تا اندازه ای در دولت احمدی نژاد محرومیت در منطقه عسلویه کم شده اما حق مردم خیلی بیشتر از این ها است و از این چیزی که در نظر گرفته اند چه در بحث عمران و در بحث های دیگر، خیلی بیشتر باید به این منطقه رسیدگی شود. مشکلات زیادی در بحث آلایندگی و تبعات منفی آن در عسلویه وجود دارد و انتظار است که در قطب انرژی کشور این سفره ای که پهن شده، سهم شهرستان عسلویه در آن دیده شود در حالیکه سهم عسلویه خیلی ناچیز دیده شده چه در بحث اشتغال که متاسفانه اکثر جوان های منطقه بیکار هستند که واقعا یک معضلی است، چه در بحث مسائل عمرانی که نمونه آن نبود یک بیمارستان است که هنوز یک بیمارستان در این منطقه افتتاح نشده و سال های سال چشم امید مردم این منطقه به این راه اندازی بیمارستان است ولی متاسفانه هنوز موفق نشده اند که با توجه به وضعیت آلایندگی، آسم خیلی زیاد شده هم چنین بیماری های سرطانی و ریوی می بایست یک بیمارستان تخصصی احداث شود و امیدواریم که حداقل مسئولین توجه خاص نسبت به این قضیه و رفع محرومیت عسلویه داشته باشند.

رئیس شورای بخش چاه مبارک عسلویه در ادامه مصاحبه خود با اشاره به احتمال استانداری مهندس تبادار اظهار داشت: در بحث استانداری بوشهر همه گزینه های معرفی شده افراد لایق و خدمتگزار هستند ولی به نظر من جناب آقای تبادار شخصیتی لایق و کاردانی است که در زمانی هم که ایشان استاندار بوشهر بودند، کارهای ماندگاری انجام داده اند و واقعا ایشان از افراد لایق، کاردان و دارای لیاقت برای امر استانداری می باشند.

بوهندی کمالی افزود: با استانداری تبادار به دلیل آشنائی ایشان با مهندس زنگنه وزیر نفت و آشنائی کامل با مشکلات شهرستان عسلویه، امیدواریم که در تعامل استانداری بوشهر با وزارت نفت حداقل یک خدمتی برای این شهرستان صورت گیرد و ایشان بتواند از حقوق حقه مردم دفاع کند و مردم به حق خودشان برسند. همانطور که همه شاهد هستند مردم شهرستان عسلویه در بحث انتخابات ریاست جمهوری اخیر سنگ تمام گذاشتند و مشارکت مردم شهرستان عسلویه در این انتخابات بالای ۹۰ درصد بوده و این نشان می دهد که دولت تدبیر و امید در این منطقه محروم مقبولیت زیادی دارد و مردم هم انتظار دارند تا از طرف آقای روحانی و دولت ایشان خدمتی برای این شهرستان صورت گیرد.

رئیس شورای بخش چاه مبارک عسلویه در پایان اظهار داشت: مردم شهرستان عسلویه مطالباتی از دولت تدبیر و امید دارند. با توجه به این که مدتی از استقرار فرمانداری و شهرستان شدن عسلویه می گذرد اما روند استقرار ادارات این شهرستان کند است که امیدواریم شتاب بیشتری بگیرد، در حالی که ادارات باید زودتر جهت سهولت کار مردم مستقر شود. طبق فرمایشات و پیگیری های فرماندار محترم شهرستان، اکثر ادارات چارت آن ها تعریف شده ولی هنوز استقرار آن ها عملی نشده است. همچنین انتظار مردم این شهرستان استفاده از نیروهای متعهد بومی، متخصص و توانمندی شهرستان عسلویه در پست های مدیریتی نفت و اداری که در شهرستان مستقر خواهد شد، می باشد. با توجه به این که مردم ولایتمدار این شهرستان از صنعت نفت استقبال کردند و نهایت همکاری را در استقرار این صنعت داشته اند، متقابلا توقع و انتظار مردم این شهرستان این است که با توجه این که در خط مقدم هستند بیشتر به آن ها رسیدگی شود و از امکانات خوبی برخوردار شوند. امیدواریم که مسئولین نفت بتوانند ارتباطی با نمایندگان مردم داشته باشند و گوش شنوا برای مطالبات مردم داشته باشند.

برای هر مشکل، حتماً راهی وجود دارد

امرالله صفری



گاهی اوقات که در تنهایی، به گرفتاری ها و مشکلاتی که در گذر کار و زندگی برایم پیش می آیند و بعضاً در پیدا کردن راهی برای عبور از آنها باز می مانم، به یاد دوست قهرمان و هم بند و هم سلولی گرانقدرم آقای موسی محمدنژاد عزیز می افتم که در روزهای سیاه سال ۵۲، ادامه زندگی در اسارتگاه عادل آباد شیراز را در جوار خود برایم قابل تحمل کرده بود.

موسی، یکی از مبارزین راستین و مقاومی بود که به جرم عضویت در یک گروه چریکی و اقدام علیه مظالم رژیم شاهنشاهی، مدت ها بود که از نعمت آزادی محرومش کرده بودند. او برای هر مشکلی راه حلی داشت و اکثراً هم با زبان طنز وکنایه، ارائه ی طریق می کرد. ضمن آنکه راه حل هایش هم از قماش همان مشی و راه و روش های چریکی بود.

یک روز که بچه های هم سلولی، گرد هم نشسته بودند و صحبت هایی می کردند پیرامون چگونگی برخورد با قضایایی که با آن ها دست به گریبان بودند، موسی مطابق معمول، داستانی پیش کشید و گفت: «برای مقابله با هر مشکلی، حتماً راهی وجود دارد. مهم این است که ما بتوانیم زیرکانه ترین، کارآمدترین و در عین حال کم هزینه ترین شیوه ها را پیدا کنیم و به کار ببندیم»، و سپس ادامه داد: «در یکی از روستاهای تبریز، پیرمرد کشاورزی زندگی می کرد که تنها یار و یاور او در هنگام کشت و زرع، پسرش بود که دست بر قضا او نیز در جریان یک مبارزه مسلحانه، از طرف حکومت دستگیر و زندانی شده بود. یک روز پیرمرد کشاورز که از یک سو دلش برای پسرش تنگ شده بود و از طرف دیگر احتیاج مبرمی به نیروی کار او داشت، نامه ای برای فرزندش نوشت به این مضمون که چون پیر و از کار افتاده است و فصل کشت و زرع هم فرا رسیده و شدیداً نیازمند وجود اوست، و در ضمن مادرش هم بنا بر عادت همیشگی، از اینکه در موقع زراعت فرزندش در کنارش نباشد احساس ناخوشایندی دارد، بهتر است که خواسته های بازجوهایش را برآورده کند و لب به اعتراف بگشاید و توبه کند تا شاید آزادش کنند و مشکلات خانواده حل شود».

پسر پس از دریافت این نامه و اینکه می دانست مشکل اصلی پدرش همانا شخم زمین و کاشتن بذر است، پس از مدتی تأمل و تفکر و با اطلاع از اینکه نامه اش قبل از آن که به دست پدرش برسد توسط عوامل حکومت بازبینی و خوانده خواهد شد، تلگرافی با این متن کوتاه برای پدرش نوشت: «پدر جان! نامه ات رسید. لطفاً زمین را شخم نزنید چون من در گوشه ای از آن که به درستی نمی دانم کجاست، تعدادی اسلحه مخفی کرده ام».

چند روز بعد، پدر در کمال ناباوری و بی اطلاعی، متوجه حضور تعداد زیادی از مأموران حکومتی می شود که چند روز متوالی و با تعداد زیادی ابزار شخم زنی مشغول زیر و رو کردن و شخم زدن زمین می باشند! ولی آنها پس از چند روز جستجوی بی حاصل، آن محل را ترک می کنند، ولی در عوض، زمین آن گونه که مناسب برای پاشیدن بذر باشد و آرزوی پیر کشاورز بود، شخم گردید و مشکل پدر حل شد.

بله! واقعاً که برای حل هیچ مشکلی نیست که راهی وجود نداشته باشد!! به هر حال، یاد و خاطره موسی محمد نژاد عزیز گرامی باد و عمر و عزتش افزون تر.

در باب عشق

کیانوش ملاکی
کارشناس ارشد مشاوره و روان درمانی



در عشق حقیقی احترام ، اعتماد و در نتیجه آزادی اساس رابطه را تشکیل می دهد.

اما در عشق بر مبنای ترس:

سوء ظن ، حسادت و تهدید و تطمیع و کنترل ونظارت(ناشی از ترس از دست دادن معشوق) بر رابطه حاکم است.

بسیاری از رابطه ها نه بر مبنای عشق که بر مبنای کشش جنسی استوارند . در اینگونه پیوندها همسر کالایی ست که مورد بهره برداری قرار میگیرد . در رابطه ای که خمیر مایه آن از عشق تهی است مخاطب یا همسر به سطح نازل اشیا تنزل می یابد. ممکن است اشیا به دست دیگران بیفتد، لذا ترس ایجاد می شود. نکند دیگران آن را بربایند. همین ترس است که به حسادت تبدیل می شود. آنگاه باید از اشیا محافظت کرد، آنگاه انواع قفل های ایمنی ساخته و انواع زنجیرها بافته می شود. زن هر نگاه و هر حرف و هر حرکت شوهر را کنترل می کند و بالعکس. شب ها هم همیشه دادگاهی می کنند که تو به این نگاه کردی، تو با آن حرف زدی، تو اینگونه نشستی، آنگونه برخاستی و...

بحران زناشوئی نیز از همین جا شروع می شود. وقتی ترس بجای عشق می نشیند زندگی به یک زندان تبدیل می شود. این گونه است که زن و شوهرها به زندان بان یکدیگر تبدیل می شوند و هیچکس عاشق زندانبان خود نیست. هیچکس عاشق دیوارهای زندان خود نیست.

آشنایی با پرشین فریلنسر

بزرگترین سایت کارآفرین در ایران

مصطفی دهقان



شاید بسیاری از شما با مفهوم دورکاری آشنا باشید یا دست کم در رسانه های عمومی عبارت دورکاری را شنیده باشید. دورکاری به زبان ساده یعنی انجام کار یا پروژه در مکانی خارج از محیط اداره. و معمولا در محیط خانه انجام می شود. امروزه با گسترش فضای اینترنت و امکانات بالقوه ای که این دنیای مجازی در اختیار ما می گذارد، بسیاری افراد به سوی دورکاری مجازی یا کار مجازی روی آورده اند.

چون دیگر نیاز نیست به خاطر انجام یک کار ساده مثل نوشتن یک مقاله روزانه یا ترجمه یک مطلب و یا حتی طراحی گرافیکی، ساعتها وقت بگذارید و در ترافیک باقی بمانید تا خود را به اداره برسانید و در آنجا کار را انجام دهید. خیلی ساده می توانید این کار را از راه دور انجام دهید و با استفاده از اینترنت آن را به رییس خود یا کسی که آن پروژه را به شما محول نموده، تحویل دهید.

در عین حال، دورکاری مزیت بسیار مهمی برای سازمانها هم هست. چون با برون سپاری پروژه ها و اجرای کارها از طریق نیروی کار مجازی یا فریلنسرها، دیگر سازمانها مجبور نیستند متحمل هزینه های بالایی در سازمان شوند و در سریعترین زمان ممکن به ارزان ترین نیروهای کاری پاره وقت دست می یابند.

البته برون سپاری پروژه ها تنها مختص سازمانها نیست و هر فردی می تواند پروژه های خود را در فضای مجازی برون سپاری کند. اگر هنوز این توضیحات برای شما کافی نیست، پس این مثال برای شماست:

مثلا فرض کنید که شما دانشجو هستید و برای انجام پروژه پایان ترم خود نیاز دارید که یک مقاله طولانی را به فارسی ترجمه کنید و به استادتان تحویل دهید. اما شما درگیر فعالیت های دیگری هستید و فرصت کافی یا دانش لازم برای ترجمه مقاله از زبان انگلیسی به فارسی را ندارید.پس بهترین راه این است که وارد سایت \"پرشین فریلنسر\" شوید و پروژه خود را در سایت \"پرشین فریلنسر\" ثبت نمایید. پس از چند دقیقه حجم بالای پیشنهاد به سراغتان می آید و تعداد زیادی فریلنسر پیشنهادهای قیمت خود را به شما اعلام می کنند. حالا شما به راحتی می توانید با توجه به بودجه مورد نظرتان، یکی از آن مترجم ها را انتخاب نمایید و پروژه خود را به او محول کنید. خلاصه، پس از اتمام کار، در صورتی که از کار او راضی باشید هزینه را به مترجم پرداخت می کنید و با خیال راحت ترجمه را به استادتان تحویل می دهید. این تنها یکی از کارکردهای سایت \"پرشین فریلنسر\" است و شما می توانید در زمینه های مختلفی همچون برنامه نویسی، طراحی سایت، ترجمه، گرافیک و بسیاری موضوعات دیگر کارهای خود را از راه دور و از طریق پرشین فریلنسر انجام دهید.

این سایت قرار است تا ۳۹ روز دیگر رونمایی شود. اما در این مدت می توانید با ثبت ایمیل خود در سایت، ۳۰ روز عضویت رایگان دریافت نمایید.

آدرس پرشین فریلنسر:
www.persianfreelancer.ir
وبلاگ پرشین فریلنسر:
www.persianfreelancer.blogfa.com
ایمیل: info@persianfreelancer.ir

مرگ تلخ دانش آموز گناوه ای بر اثر برخورد شیشه کلاس

دختر دبیرستانی در شهر گناوه که بر اثر شکسته شدن و برخورد شیشه کلاس درس به کما رفته بود، جان خود را از دست داد.

به گزارش «خلیج فارس»؛ هفته گذشته یکی از دوستان وی در دبیرستان عترت گناوه با انگشت روی شیشه پنجره کلاس زد تا او را متوجه خود کند، اما ناگهان شیشه شکسته و بر روی این دختر اول دبیرستانی فرو ریخت

به دنبال برخورد شیشه به این دانش آموز و خونریزی از ناحیه سینه، وی به مرکز درمانی منتقل شد تا اینکه پس از اقدامات اولیه و دو روز بستری در خانه، به مدرسه بازگشت. اما بازگشت وی به مدرسه خوش یمن نبود و متاسفانه بر اثر خونریزی مجدد، از هوش رفت و برای بستری به بیمارستان بوشهر منتقل شد.

این گزارش می افزاید: دانش آموز گناوه ای طی چند روز حضور در بیمارستان به کما رفته بود تا اینکه پیش از ظهر شنبه جان خود را از دست داد.

همزمان دانش آموزی که خود را مقصر شکسته شدن شیشه کلاس و خونریزی دوستش می داند، از زمان بستری شدن وی دچار فشار روحی شده و این نگرانی وجود دارد که اطلاع از مرگ دوستش، مشکلات وی را بیشتر کند. مرگ تلخ این دانش آموز اول دبیرستانی در گناوه، ضرورت توجه به ایمنی مدارس برای حفظ جان دانش آموزان را دو چندان می کند.

این دومین حادثه برای دانش آموزان هم استانی از ابتدای سال تحصیلی جدید می باشد. دو هفته پیش نیز دانش آموز کلاس چهارم دبستان در شهر آبدان هنگام خروج از مدرسه و سوار شدن به مینی بوس، در میان ازدحام دوستانش و بی دقتی راننده، توسط وسیله نقلیه زیر گرفته شد که پس از انتقال به بیمارستان، جان باخت.

اتفاق تلخی که دلیل آن تخریب مدرسه قدیمی آبدان و عدم بازسازی آن اعلام شد که موجب گردیده دانش آموزان دو مدرسه با هم ادغام شده و مسئولان نتوانند نظارت موثری بر خروج ایمن دانش آموزان از مدرسه داشته باشند.

یک روز بعد از این حادثه بود که مسئولان آموزش و پرورش تصمیم به تفکیک این دو دبستان گرفته و مقرر شد تحصیل برخی دانش آموزان در دبیرستان آبدان ادامه یابد تا مشکلات ناشی از ازدحام آنها مرتفع شود.

ورزشی
شماره ۷۱۴- یک شنبه ۲۱ مهر ۱۳۹۲
NASIM JANOUB

به یاد شاهین، پرنده پیام آور شور و نشاط بوشهر

تماشای فوتبال دیگران با روزگار سیاه

محسن باستی

شاهین خودش هم نمی داند که چه بلایی به سرش آمد، چه اتفاقی باعث شد که یکی از محبوبترین تیم های ایران ، اینبار لیگ های مختلف را با دنده عقب طی کند و حالا دیگر در لیگ دو هم حضور نداشته باشد.

شاهینی که این روزها در بی توجهی تمام زندگی سختی می گذارند همان پرنده ای ست که شور و نشاط را به استان هدیه داد .. این شاهین همان شاهینی است که در آزادی وقتی قرمزهای پایتخت را زمین گیر کرد گزارشگر معروف با عصبانیت گفت: «بوشهری ها را ببینید که در ورزشگاه آزادی حالا خودی نشان می دهند ...»

این شاهین همان شاهینی ست که برای پروازش هواداران با معرفتش جاده های ایران را با پرچم های« شاهین دوستت داریم» سفید پوش می کردند.

شاهین همان شاهینی ست که با فریاد «عبدالله بزن ضربه های معروفت رو» ی شاهین بهرام نژاد ورزشگاه شهید بهشتی منفجر و از هلهله و شادی هوادارانش دریای پارس مواج شد. شاهین همان شاهینی ست که در آزادی چنان عرصه را بر حریف آبی پوش خود تنگ کرد که هوادارانشان فریاد «استقلال دفاعی نمی خواهیم » سر دادند.

شاهین همان شاهینی ست که در هیچ ورزشگاهی در ایران پهناور غریبه نبود ...

این همان شاهین محبوبیست که تمام فوتبال دوستان ایران دوستش داشتند و دارند ...

شاهین همان شاهینی است که بچه های بوشهری درس و مدرسه و دانشگاه را در روز بازی رها کرده تا خود را به عشق شاهین شان به ورزشگاه شهید بهشتی برسانند. این شاهین همان شاهینی ست که تا دقیقه ۷۰ سنگین ترین باخت دایی و تیم قرمز پوشش را به او تحمیل کرد. شاهین همان شاهینی ست که در اوج مشکلات ، مس را در روزی خاطره انگیز حذف کرد تا فینالیست شود و دشمنانش تیتر با عصبانیت بزنند...

همان شاهینی ست که وقتی شور و نشاط هوادارانش را دیدند گفتند وزشگاه پیر بوشهر برای هواداران این تیم کم است ، ورزشگاهی که ۲۰ هزار هوادار را در خود جای می داد، دو برابر ظرفیتش...

شاهینی که هوادارانش در رویا برای خودشان بلیت آسیا گرفته بودند ، شاهینی هایی که حافظیه شیراز را شهید بهشتی بوشهر کردند ، این همان شاهین است...

همان شاهینیست که تمام لیگ ها را با بالهای خود طی کرده بود . همان شاهینیست که به هوادارانش افتخار میکرد.

این شاهین همان شاهینی ست که هوادار روشندلش خودش را با هر زحمتی به ورزشگاه میرساند. این همان شاهین ست که بوشهر را بیش از آنکه با پسوند پایتخت انرژی ایران بشناسند ، با نام این تیم می شناختند.

همان شاهینی ست که شعارهای بندریش همچنان در ورزشگاه های کشور طنین انداز است. «صل النبی و یا هو» ی هواداران ،«شیر مردانه ، یا علی مدد» ، « نه اینتر و نه میلان» و با تمام قدرت فریاد «فقط شاهین ایران»...

بله این همان شاهینی ست که مسئولان برای گرفتن عکس یادگاری در کنارش صف می کشیدند و برایشان افتخار بود. این همان شاهینی ست که بر سه پایه «درس و اخلاق و ورزش» پرچمش بر افراشته شده بود و بزرگانی با خون دل برای سرافرازی و زنده نگه داشتن نامش فداکاری کرده اند...

حالا تنها شاهین زنده ایران به حال و روزی شبیه کابوس گرفتار آمده ، شاهینی که می توانست همچنان پیام آور شور و نشاط استان باشد بازیچه افرادی قرار گرفت که دیگر میلی به پرواز نداشته باشد ، ضعف های مدیریتی ، بی تدبیری و شاید هم بی تفاوتی ! شاهین را به نقطه ای رساند که شخصی بگوید من مالک شاهین هستم ، شاهینی که هیچ گاه مالکیتش در برگه و سند خلاصه نمی شود .

بها دادن به بعضی از بازیکنان بی خاصیت غیر بومی ، دور کردن شاهینی های اصیل از تیم شان و جنگ های مدیریتی از جمله دلایل به این روز افتادن شاهین بود که بارها و بارها توسط کارشناسان مختلف به آنها پرداخته شده است.

استان پایتخت انرژی ایران و مدیرانی که توانایی کمک به این تیم را نداشتند و یا شاید هم نمی خواستند و نمی خواهند هم از دیگر دلایل آن است که امروز «یزدی ها با سنگ» و «کرمانی ها با مس» ،«چند شهر با شهرداری» و «تهرانی ها هم با نفتشان!» فوتبال داشته باشند و «بوشهر با نفت و گاز و نیروگاه اتمی و گمرک و...» به تماشا بنشینند.

هواداران شاهین از زن و مرد ، پیر و جوان هرگز و هرگز نخواهند بخشید کسانی را که مسبب سیه روزی های تنها دلخوشیشان شدند.

به بهانه حضور پسر بوشهر در سریال پژمان

خدا قوت حسین بازیگر

فاطمه آذربان - گزارشگر رادیو بوشهر

چند شبی است که در ساعت ۲۰،۴۵ از شبکه ۳ بیننده سریالی هستیم بنام پژمان میخواهد بگوئید ستاره ها و پیشکسوتان قدیمی فوتبال را فراموش نکنیم.

این سریال به کارگردانی سروش صحت و نویسندگی برادران قاسم خانی در این شبهای پاییزی در حال پخش است

در هشتمین قسمت آن که شب گذشته پخش شد ستاره امروز فوتبال بوشهر هم بازی میکرد نه از جنس فوتبال بلکه در دنیای فیلم و سریال مقابل لنز دوربین.

حسین ماهینی، حسین پرسپولیس را بازی می کند که قرار است از پژمان جمشیدی خانه اش را برای پدر و مادر خود اجاره کند و در ادامه خواهیم دید که.........

دقایقی را در این سریال شاهد بازیگری پسر نجیب بوشهری بودیم در همان چند دقیقه لبخند زدیم لبخندی از جنس رضایت و شادمانی لبخندی که نشان میداد بوشهری ها همیشه تمام و کمالند (ایرج صغیری و قلندر خانه، صافی و فایقیان و احسان عبدی پور و.......) تئاتر و سینمای بوشهر همیشه حرف برای گفتن داشته و دارد.

مطمنا ستاره امروز فوتبال بوشهر در دنیای فیلم و سریال هم هم چون دنیای فوتبال با اوت های دیدنی و دفاع خوبش خوش خواهد درخشید.

سریال پژمان ۲۵ قسمتی است و امیدواریم تا پایان این سریال سکانس های حسین را که می بینیم مثل او که به شهر و دیارش می‌بالد و نام بوشهر را روی پیراهن و در دلش فریاد می‌زند ما هم ببالیم به حسین سریال پژمان ، به حسین فوتبال بوشهر و بگوییم خدا قوت و زیر لبمان ماشاالله ای بگوییم به تک تک جوان های بوشهری که باعث افتخارند برای بوشهر.

تارخ پرند ورزشکار بوشهری قهرمان سوارکاری پرش با اسب نوجوانان ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:

بدون اسب، به مسابقات قهرمانی کشور رفتم



– لطفا درباره مسابقات قهرمان سوارکاری پرش با اسب نوجوانان ایران توضیح دهید.

– در تهران از اواخر فروردین ماه مسابقات گوناگونی با حمایت فدراسیون سوارکاری برگزار می شود که تقریبا تا اواخر شهریورماه ادامه دارند، که مهمترین آنها مسابقات سوارکاری پرش با اسب قهرمانی ایران می باشد که رده های نونهالان، نوجوانان و جوان آن با هم برگزار می شود و قهرمانی کشور بزرگسالان هم معمولا در اواسط مهرماه برگزار می شود. آخرین مسابقه ای که در آن شرکت داشتم مسابقه قهرمانی کشور رده های سنی نونهالان، نوجوانان و جوانان بود که من موفق شدم در رده نوجوانان مقام قهرمانی را بدست آورم. در این رده نوجوانان این دوره از مسابقات ۳۶ سوارکار از استانهای تهران، البرز، قزوین، خراسان رضوی، اصفهان، گیلان ، زنجان و کرمان به میدان آمده بودند که در روز دوم مسابقات بیست نفر برتر روز اول به میدان راه پیدا کردند.

– در حالیکه در دوره های قبلی با تیم بوشهر به مسابقات می رفتی، چرا در این مسابقات با تیم تهران شرکت کردید؟

– من از سال ۸۶ تا ۹۱ از طرف استان بوشهر در مسابقات شرکت می کردم که در همان زمان هم چندین مقام قهرمانی و نائب قهرمانی در رده نونهالان را داشتم، اما بعد از اینکه من به رده نوجوانان ارتقاء پیدا کردم و سطح مسابقات بالاتر رفت و من هم اسب مناسب برای شرکت در مسابقات نداشتم، متاسفانه میشود گفت اونجوری که باید و شاید مورد حمایت قرار نمی گرفتم. برای مثال از کل هزینه هایی که می کردم هیئت فقط می توانست جزئی به من کمک کند که اونم باید صبر می کردیم تا بودجه برسد و ... کلا یک سال طول می کشید که این پول ناچیز به دست ما برسد. البته این را هم بگم که این هزینه یک پنجم آن خرجی که من باید می کردم هم نبود. اینجوری بود که تصمیم گرفتم امسال از طرف تهران و باشگاه آزمون در مسابقات شرکت کنم.

–امکانات و حمایت های تیم تهران برای شما چگونه بود؟

– نمی گم هیئت تهران همه خرجم را متقبل می شد و خیلی کمکم می کرد اما حداقلش این بود که مسئولین باشگاه آزمون توجه و تمرکز بیشتری روی تمرین ها و مسابقاتم داشتند، چون من هر جایزه ای که می گرفتم افتخارش برای باشگاه آزمون هم بود .

– چه برنامه ای برای آینده دارید؟

– دارم سعی میکنم که در تهران ساکن شوم که بتوانم کل سال را تمرین کنم و آمادگیم را در کل سال داشته باشم. اینجا با این تمرینات و این امکانات به جایی نمی رسم.

– وضعیت کنونی سوارکاری در بوشهر چگونه است و با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنید؟

– وضعیت سوارکاری در بوشهر بد هم نیست. از سالهای گذشته با همت مسئولین هیئت و نیروگاه اتمی خدا را شکر خیلی بهتر شده اما هنوز هم در مقایسه با استانهای دیگر حالا نمی گم تهران ولی در مقایسه با اصفهان و کرمان هم چندان جالب نیست. اصلی ترین مشکل ما کمبود باشگاه سوارکاری فعال از نظر ورزشی است، این باشگاههایی که الان فعال هستند فعالیت ورزشی چندانی ندارند و بیشتر جنبه تفریحی دارند تا ورزشی.

– چه خاطره ای از قهرمانی خود در این مسابقات دارید؟

– یادمه یک مسابقه اوایل فصل بود که من اسب نداشتم که بتونم توی اون مسابقه شرکت کنم و خیلی ناراحت بودم. شب مسابقه با یکی از دوستان نزدیکم داشتم حرف میزدم، مابین حرفهایش بهم گفت نگران نباش خدا قهرمانی را برای تو کنار گذاشته. این حرفش یادم موند و به لطف خدا سه ماه بعد از اون حرف قهرمان کشور شدم.

– چه انتظاری از مسئولان برای پیشرفت سوارکاری در بوشهر دارید؟

– انتظاری که من از مسئولان دارم فقط برای پیشرفت سوارکاری در بوشهر موثر نیست بلکه برای همه رشته های ورزشی استان مفید می باشد. به نظر من اگر یک سوم از هزینه ای که صرف فوتبال می کنند را خرج ورزشهای دیگر می کردند، وضعیت ورزش استان از این چیزی که هست خیلی بهتر بود.

–مقایسه بین ورزشکاران بوشهر و کل کشور و امکانات اینجا با تهران و سایر استانها چگونه است؟

– امکانات سوارکاران بوشهری با بسیاری از استانها قابل مقایسه نیست اما باز هم سوارکاران پرتلاش استان ما پا به پای استانهای دیگر رقابت می کنند. به عنوان مثال در رشته استقامت بچه ها با همین امکانات ناچیز و با همت خودشان در مسابقات کشوری با استانهای دیگر رقابت می کنند و جایزه می گیرند.

– در قهرمانی شما چه کسانی بیشتر از همه نقش داشته اند؟

– خیلی ها در این قهرمانی مرا یاری کردند اما پدر و مادر دلسوزم و مجید شریفی و شاهرخ مقدم دو مربی عزیزم بیشترین نقش ها را در موفقیت من داشتند. از طرفی باید از خانم فایزه غروی سوارکار مطرح و با شخصیت به نیکی یاد کنم که بدون هیچ چشم داشتی اسب خودشان را در اختیارم گذاشتند تا من هم بتوانم قهرمان شوم.

– در زندگی خود چه آرزویی دارید؟

– آرزو دارم با اسبهای خودم و از طریق تیم ایران در مسابقات بزرگ دنیا شرکت کنم و قهرمان شوم.

– برای کسانی که مایل به روی آوردن به ورزش سوارکاری هستند چه توصیه ای دارید؟

– سوارکاری ورزش آرامش بخشی است و آرامش دهنده روح و روان است و تنها ورزشی است که با یک موجود زنده در ارتباط هستید. کسانی که به این ورزش علاقه مند هستند باید بدانند که این ورزش بدون تلاش و پشتکار مداوم امکان پذیر نیست و خصوصیت خوبی که این ورزش دارد این است که برای همه افراد خانواده و همه سنین لذت بخش و مفید است.

– سخن پایانی؟

– سخن پایانی من با مسئولین استان است . لطفا و خواهشا به دیگر رشته های ورزشی استان هم توجه کنید. در بوشهر فقط فوتبال ورزش نیست.

پورفاطمی: این شرایط برای تیم پرطرفدار استان ناراحت کننده است

پور فاطمی نماینده دشتی و تنگستان در مورد تیم شاهین گفت : تیم شاهین به عنوان پیشانی استان بود و بنده از اوضاع فعلی شاهین شدیدا ناراحت هستم.

نماینده مجلس که با برنامه ی رادیویی پسین ورزش گفتگو می کرد ، ادامه داد: تیم های شاهین و ایرانجوان از تیم های مطرح و ریشه دار کشور هستند و هیچ گاه شاهین در این شرایط سخت نبوده است و این شرایط برای تیم پرطرفدار استان ناراحت کننده و برای برون رفت شاهین از این اوضاع همه باید دست به دست هم دهیم تا شاهین به روزهای اوجش برگردد.

پورفاطمی اضافه کرد : در جلسه ای هم که در کمیسیون اصل نود در مجلس درباره وضعیت فوتبال با آقای تاج داشتیم نظر ایشان هم برای رفع مشکلات شاهین مثبت بود و مشکل شاهین در اینصورت حل خواهد شد که نامه ای نوشته شود که بنده به سهم خود این نامه را نوشته ام و مسئولان استان هم باید هزینه ای ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیونی متقبل شوند تا رضایت طلبکاران شاهین را بتوانیم جذب کنیم.

پورفاطمی تنها نماینده فوتبالی استان در مجلس به موضوع مالکیت شاهین اشاره کرد وگفت : در تاریخ شاهین هیچ زمانی تیم متعلق به فردی نبوده است و امیدواریم و باید تلاش کنیم بدهی نعمتی پرداخت شود و تیم محبوب شاهین دوباره به مالکان اصلیش که هواداران هستند برگردد.

با حسین ماهینی از بازی در "پژمان" و کامنت خبرساز تا خانه اش در بوشهر

فوتبال سخت تر از بازیگری است



ماهینی که در «سریال پژمان» روی صفحه تلویزیون خودنمایی کرد درباره شرایط تیم ملی، کامنت جالبش در فیسبوک و البته تجربه بازیگری حرف های جالبی برای گفتن دارد. با مصدومیت خسرو حیدری حالا شرایط برای مدافع راست ملی پوش پرسپولیس فراهم شده تا یک بار دیگر جای خسرو را در دفاع راست تیم ملی بگیرد اما از شانس بد ماهینی او با مصدومیتی جزئی از ناحیه کمر دست و پنجه نرم می کند که البته تا حدود زیادی رفع شده و شانس بازی اش را دوباره بالا می برد.

– چند روزی است در اردوی تیم ملی هستی. شرایط را چطور می بینی؟

– شرایط خوب است. خدا را شکر مشکلی وجود ندارد و تمرینات مان را انجام می دهیم برای بازی با تایلند.

– شرایط خودت چطور است؟

– اوضاع خودم خوب است. من ۶-۵ روزی کمردرد داشتم اما از دیروز تمرین کردم و تا روز بازی با تایلند انشاءالله مشکلم کامل حل می شود.

– فکر می کنی در بازی با تایلند در ترکیب باشی؟

– من در تمام این مدت سعی و تلاشم را کرده ام در تمرینات طوری ظاهر شوم که بازی کنم. البته اول برایم موفقیت تیم ملی اهمیت دارد و این برای همه خوب است که تیم ملی نتیجه بگیرد. الان هم تمام تلاشم را می کنم تا در ترکیب باشم اما اگر هم بازی نکردم برای برد تیم ملی دعا می کنم. در هر حال اولویتم پیروزی تیم ملی ایران است.

– اما خیلی وقت است در ترکیب اصلی تیم ملی نبودی و شاید الان بهترین فرصت برای برگشتن باشد.

– بله درست است اما باز هم می گویم تمام تلاشم را به کار خواهم گرفت تا نظر آقای کی روش را جلب کنم چون نظر نهایی را ایشان می دهد.

– قرار است مهرداد بیت آشور به اردو اضافه شود که هم پستی شماست و قطعا با حضور او ترافیک در دفاع راست بیشتر می شود. نظرت در این باره چیست؟

– خب من هم شنیده ام که ایشان بازیکن خوبی است. من فکر می کنم هر چه بازیکنان لژیونر به تیم ملی بیایند سطح رقابت بین بازیکنان بالاتر می رود و خودمان هم پیشرفت می کنیم. حضور آنها باعث می شود تلاش مان را هم بیشتر کنیم و رقابت خوبی بین هم پستی هایمان ایجاد می شود.

– یعنی از آمدن بیت آشور ناراحت نیستی؟

– نه اصلا. اتفاقا خوشحالم چون همان طور که گفتم حضور این بازیکن باعث پیشرفت خودم خواهد شد.

– عکسی از تو منتشر شد در یکی از روزنامه ها که مشغول بازی فیفا ۱۴ با پلی استیشن هستی و روی کمرت کیسه آبگرم گذاشته ای اما ظاهرا یکی از هواداران استقلال کامنت عجیبی زیر آن عکس گذاشته و تو هم جواب تندی به او داده ای؟

– ببینید من هیچ وقت اهل حاشیه نبوده ام و اصلا اینطوری نیستم که بخواهم کری بخوانم. هیچ وقت برای استقلالی ها کری نخوانده ام چون آنها را هم دوست دارم. به خودم هم اجازه نمی دهم به آنها توهین کنم اما ایشان یک کامنت گذاشته بود و من هم برایش نوشتم «داداش من خودم در لیگ قهرمانان آسیا بازی کرده ام و حتی با ذوب آهن تا فینال بالا رفته ام» که حالا یک مقدار این بزرگ شده است.

– حالا در فیفا کدام تیم را بر می داری؟

– من بیشتر با بایرن مونیخ بازی می کنم.

– از آن دسته افرادی هستی که هر تیمی قویتر باشد با آن بازی می کنی؟

– نه من آلمانی ام و بایرن مونیخی. از اول هم این تیم ها را برمی داشتم.

– بازی ات را در سریال پژمان دیدیم اما ظاهرا در راه رفتن جلوی دوربین هم استرس داشتی؟

– این اتفاق با پیشنهاد برادران قاسم خانی افتاد. مهراب و پیمان حدود ۸-۷ ماه پیش به من زنگ زدند و پیشنهاد دادند و درخواست کردند در این سریال بازی کنم. اینها آدم های بزرگ سینمای ایران هستند و گفتند یک مقدار باید بازی کنی. برای من حضور در این کار افتخار بزرگی بود. به نظرم تجربه خوبی بود اما در کل فوتبال سخت تر از بازیگری است. من در زمان فیلمبرداری ۴-۳ بار سوتی دادم که صحنه را دوباره می گرفتند و اینطور نبود که راحت بخواهند تصاویر را بگیرند. به نظرم بازیگری یک مقدار تمرین می خواهد اما در کل فوتبال سخت تر است چون حق اشتباه نداری و در صدم ثانیه باید تصمیم بگیری و مثل بازیگری نیست که فیلمبرداری را قطع کنند و دوباره بگیرند.

– حالا وضع مالی ات مثل آنچه در سریال اتفاق می افتد آنقدر خوب است که خودت یک خانه در نیاوران داری و یک خانه شیک و با امکانات هم برای پدر و مادرت گرفته ای؟

– نه بابا اینها دیالوگ هایی بود که نویسنده برایم نوشته و من هم حفظ کردم و گفتم.

– یعنی در نیاوران خانه نداری؟

– نه من فقط یک خانه در بوشهر دارم. در تهران هم در محله سعادت آباد زندگی می کنم.

– حتما خودت و بقیه بچه های تیم ملی به خاطر بازی خودت هم که شده سریال پژمان را تعقیب می کنید؟

– بله این سریال فوتبالی است و پیمان و مهراب قاسم خانی هم کارشان خوب است. الان هم در سال جام جهانی هستیم و اشتیاق فوتبالی مردم بیشتر است. به نظر من خود پژمان خیلی خیلی خوب بازی کرده و باید به خودش وعوامل سریال یک خسته نباشید بگوییم. از طرفی چون تکیه کلام های فوتبالی دارند و موضوع استقلال و پرسپولیس هم در محتوای سریال هست برای مردم جذاب می شود.

– بچه های تیم ملی درباره حضورت در سریال چیزی به تو گفته اند؟

– از وقتی آنونس این سریال پخش می شد بچه ها در پرسپولیس و بعد تیم ملی مدام تکه می انداختند. جواد نکونام هم یکی دو تا تکه به من انداخت. در پرسپولیس هم محمدرضا (خلعتبری)، محسن بنگر و سیدجلال با من در این باره شوخی می کردند. در کل از وقتی آنونس سریال پخش شد و من هم در آن بودم برای بچه ها سوژه شده بود.

– آیا با بازیکنان تیم ملی دسته جمعی سریال را می دیدید؟

– نه بچه ها همه در اتاق های خودشان بودند اما در راهرو موقع پخش سریال صدای حسین حسین شان می آمد.

– فکر می کنی پژمان آنقدر که درباره خودش در سریال صحبت می کند بازیکن خوبی بوده؟

– پژمان بازیکن بزرگی بوده و بازی ملی هم زیاد دارد. من خودم روبروی او بازی کرده ام. زمانی که در استقلال اهواز بودم او در فولاد بود. در پرسپولیس و استیل آذین هم مقابلش بازی کرده ام.

– در این سریال پژمان مدام درباره خسرو حیدری صحبت می کند. با خسرو در این باره حرفی نزدید؟

– نه فرصت نشده حرفی بزنیم اما چون من و خسرو راست های تیم ملی و پرسپولیس هستیم و پژمان هم در طول داستان سریال بی تیم مانده یک مقدار به ما حسادت می کند.

– چند بار در طول فیلمبرداری خنده ات گرفت؟

– خنده که زیاد بود و همه اش می خندیدیم. چون تجربه اولم بود چند جا خنده ام گرفت و فیلمبردای قطع شد. خب این کار در تخصص ما نیست اما در کل تجربه خوبی بود.

– بگذریم. فکر می کنی تیم ملی تایلند را شکست دهد؟

– ما تمرینات خوبی داشتیم و صحبت های کی روش هم مبنی بر این است که در گروه مان صدرنشین شویم به همین خاطر به برد این بازی نیاز داریم. ما باید کویت را هم می بردیم که بازی مساوی شد اما از دو بازی بعدش برد می خواهیم که بعد از لبنان باید تایلند را هم ببریم. به همین خاطر از هواداران تیم ملی می خواهم که به ورزشگاه بیایند و با حضور گرم شان زمینه ساز گرفتن این سه امتیاز شوند.

منبع: گل

اظهار نظر عجیب کاپیتان اسبق شاهین:

شاهین بوشهر در دستان یک شیطان بزرگ است

ایمان دشتی کاپیتان اسبق شاهین در مصاحبه با خبرگزاری فارس با بیان اینکه تیم محبوبش الان در دست شیطان بزرگی اداره می‌شود، گفت: متاسفم که یک شهر مانده‌اند که نمی‌توانند جلوی نعمتی را بگیرند.

وی افزود: نعمتی تنها کسی است که بیشتر از همه در شاهین از لحاظ مالی بهره برده است.

دشتی گفت: نعمتی خودش با زند و بند وارد شاهین شده و دلش خوش بود به اینکه آقایان در برنامه ۹۰ نامش را ببرند. نعمتی عاشق مقام و شهرت است و دلش می‌خواهد همیشه اسمش بر سر زبان‌ها باشد.

ایمان دشتی با بیان اینکه داستان‌های زیادی در مورد نعمتی همراه با مدارک دارد، افزود: در جلسه‌ای حتما این مدارک را رو کرده و خیلی چیزها را خواهم گفت.

سرمربی شاهین بوشهر:

حاضرم به خاطر زد و بندهای نعمتی در فدراسیون شهادت بدهم

سرمربی جوان شاهین انگار این روزها حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، انگار منتظر جرقه‌ای است تا حرف‌های دلش و اتفاقات افتاده را بازگو کند. شاید مصاحبه‌های مالک باشگاه شاهین کاسه صبرش را لبریز کرده باشد و به همین خاطر، او طاقت از کف داده و زبان به شکوه گشوده است. مهدی قنبری در مصاحبه با فارس، پرده از حقایقی برداشت که شاید در نوع خود برای ما هم بسیار جالب بود، سرمربی جوان شاهین گفت: مرداد ماه امسال در جلسه‌ای که من، عبدی پور، گلستانی و نعمتی در آن حضور داشتیم، علی نعمتی از من درخواست عجیبی کرد.

وی با بیان اینکه حاضر است برای این موضوع در فدراسیون شهادت بدهد، گفت: نعمتی از من خواست ۲ بازیکنی را که جدیدا از تهران برای تست آمده‌اند را هر طور شده نگه دارم و وقتی من دلیلش را پرسیدم جواب عجیبی بیان کرد.

قنبری در ادامه افزود: علی نعمتی مالک باشگاه شاهین شخصا به دنبال این دو بازیکن به فرودگاه رفته و آنها را در هتل اسکان داده است و در جواب سوال من که چرا اینکار را کرده است، گفت: این ۲ بازیکن معرفی شده از طرف یک داور لیگ برتری هستند که قبلا به ما کمک کرده است.

نعمتی با بیان اینکه این دو بازیکن تهرانی را (ت.ح) داور مطرح لیگ معرفی کرده و در عوض قول مساعد همکاری برای بازی‌ها را به من داده است، از من خواست آنها را هر طور شده نگه دارم.

قنبری گفت: به آقای نعمتی گفتم قبلا هر کاری در زمان هر مربی انجام داده‌ای به خودت مربوط است، اما در زمان من حق ادامه دادن به این زد و بندها را نداری، لطفا از جلسه بیرون برو.

وی افزود: پس از این ماجرا هر دو بازیکن را از تمرین اخراج کرده و به آنها گفتم به خاطر دلایل غیر فنی دیگر به شما احتیاجی نداریم.

قنبری گفت: بعد از این جریانات دیگر نعمتی در تمرینات حاضر نشده تا روزی که در ورزشگاه را بسته و اجازه تمرین به ما نداد. سرمربی شاهین با بیان اینکه نعمتی بار دیگر بازیکنی از اهواز آورده، افزود: به نعمتی گفتم خواهشا دیگر در مسائل فنی تیم دخالت نکنید، وگرنه فکر دیگری در مورد شما می‌کنم.

آقای نعمتی با امانت مردم چه می کنید؟

غلامرضا حاجیانی - هوادار شاهین از خورموج

آقای نعمتی لطفا واقع بین باشید از روزی که به عنوان مالک باشگاه شده اید هیچ اقدامی مثبتی برای شاهین انجام نداده اید و فقط دلخوش به مصاحبه با سایت ها و روزنامه ها هستید و برای کسب شهرت به هر دری می زنید. آقایی که خود را مالک شاهین می دانید، بدانید که شاهین هیچگاه متعلق به شخص خاصی نبوده است. شاهین یادگار پیشکسوتان و هوادارانی است که تمام زندگیشان را برای این تیم گذاشتند.

شاهین بخصوص در چند سال اخیر نردبانی بوده برای کسب شهرت افراد و شما هم برای شاهین وام گرفته و یا هزینه کرده اید که اینها در برابر شهرتی که کسب کرده اید کوچک و ناچیز است.

تناقض در صحبت های شما بسیار است از روزی که آمدید گفتید من امانتدارم! و شاهین امانت هواداران نزده من است! و هواداران مالکان اصلی شاهین هستند. اینها همه صحبتهای شماست که مستندات آن هم موجود است. آقای نعمتی با امانت پیشکسوتان و هواداران دلسوخته شاهین چه کرده اید؟ چرا امانت را پس نمی دهید؟ چرا با مدیرعامل قرار داد می بندید و قرار داد را یکطرفه و بدون دلیل فسخ می کنید ؟ چرا تمرینات را تعطیل می کنید ؟ آقای نعمتی شما که قصد شرکت در لیگ دسته ۲ را نداشتید چرا با سرنوشت ۳۰ بازیکن جوان بازی کردید؟ بروید سؤال کنید بیش از نیمی از آنها تنها نان آور خانه هستند حالا با تصمیم ناگهانی شما مبنی بر انصراف، به کدام تیم بروند و چگونه امرار معاش کنند ؟ آقای نعمتی مگر به قول خودتان امانت دار نیستید ؟ پس به چه حقی تمرینات را تعطیل می کنید و اعلام انصراف می کنید؟ شما در برابر خیل عظیم هواداران و پیشکسوتان شاهین باید پاسخگو باشید. و سؤال آخر اگر مرحوم حاج عبدالمحمد زنگویی پیشکسوت ماندگار باشگاه شاهین هم زنده بود آیا جرات چنین کاری را داشتید؟ روحش شاد و یادش گرامی ، ای کاش بود و می دید که با امانتت چه کردند حاجی!

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹

لیتوگرافی و چاپ: کارگر



تغییرات مدیریتی در پارس جنوبی؛

سه نماینده بوشهر در کمیسیون انرژی چه می کنند؟!



پایگاه اطلاع رسانی بُنا: در ادامه انتصاب غیربومی ها در طی ۱۲ سال از فعالیت مجتمع گازی پارس جنوبی، خبر رسیده "مسعود حسنی" که پس از بازنشستگی ''علی اکبر شعبان پور'' – مدیر مجتمع گازی –، سرپرستی این مجتمع را عهده دار شده، از طریق لابی گری های صورت گرفته بدنبال تکیه زدن بر صندلی مدیریت مجتمع گازی پارس جنوبی و ادامه مدیریت خراسانی ها در سطح کلان است.

به گزارش "پایگاه اطلاع رسانی بُنا"؛ گفته می شود پُستهای کلیدی در مجتمع گازی پارس جنوبی نظیر مدیرعاملی، معاون، رئیس بهره برداری، مدیر مالی، رئیس پیمانها، رئیس it، رئیس حمل و نقل، رئیس مستغلات و ... در اختیار خراسانی ها قرار گرفته است و نیروهای بومی به انزوا رفته اند، اما نمایندگان استان تاکنون اقدام موثری برای جلوگیری از این وضعیت انجام نداده اند.

لازم به ذکر است که در سالهای گذشته نیز هاشمی از نیروهای بومی استان که با حمایتهای میگلی نژاد نماینده سابق بوشهر به سمت مدیرعاملی شرکت خدمات غیر صنعتی گاز ایران منصوب شده بود، کنار گذاشته شد، اما هیچکدام از مسئولان استان واکنش جدی نشان ندادند!

پیش از این، مسئولان در پاسخ به گلایه ها و خواسته های مردم برای به کارگیری جوانان بومی این استان به جای نیروهای غیربومی در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی پارس جنوبی، عدم تخصص نیروهای بومی بود که در طی این سالها با راه اندازی مراکز فنی و حرفه ای و آموزش رشته ها و شاخه های مورد نیاز در منطقه پارس جنوبی، تعداد زیادی از جوانان استان حرفه های مورد نیاز در این صنایع را فرا گرفتند.

انتظار می رفت با رفع نیازها در این حوزه نیروهای متخصص و کارآمد بومی پست های تخصصی و حتی مدیریتی صنایع نفت و گاز را اشغال کنند، اما گویا ''تخصص'' تنها بهانه ای برای مسئولان به منظور خودداری از واگذاری پستهای مهم و تخصصی در این صنایع به نیروهای بومی بوده است.

آنچه که اکنون مورد تعجب قرار گرفته آنست باتوجه به حضور سه نماینده استان بوشهر در کمیسیون انرژی، اما هیچگونه اقدامی از سوی آنها برای جلوگیری از تبعیض ها و حضور غیربومی ها در سطح مدیریت کلان پارس جنوبی ندیده ایم و هر روز شاهد به خطر افتادن جایگاه اندک نیروهای بومی در آن منطقه هستیم!

امید به پایان بی نشاطی بهار فرهنگ و خفتگی دریای اقتصادی بوشهر

دیگر بار، تبادار!

حماسه و حسام حق پرست



پیش درآمد: پرسش اساسی و محاوره ی محوری اکثریت مردم استان بوشهر در یک نگاه کلی و نقد کلان این است که : چرا بوشهر با همه دارایی های سرمایه ای اش و باتمام غنای کم نظیر فرهنگی اش و با ثقل پشتوانه ی پر مغز تاریخی خود، امروز در قد وقامت راستین و البته و مهم تر به حق خود تظاهر چندانی نداشته و ندارد؟! و آیا کدام علت العلل پنهان سبب شده استان بوشهر در کورس توسعه و پیشرفت خود بن بست های گاه مضحک و ناروایی را به تجربه ای تلخ درنشیند و مردمان سامانش با سفر به دیگر سو با باری از غبطه و انبانی از اشک و رشک به ولات فرتوت خود، بوشهر، بازگردند... به راستی کدام با کدامین عامل، در این دو سه دهه ی اخیر بوشهر را مانند ه ی دخل دکانی نموده است که هیچش به کار در و دیوار دکان نمی آید تا دست کم سقفش فرو نریزد و از درآمد دخل کاسته نشود برای بازارهای خوش بر و روی ایران!

و شاید پرسش ابهام آمیز هم این باشد که: بوشهر مگر کجاست که باید آزمایشگاه مسوولین نورسته و لابراتوار مدیران تازه از گرد راه رسیده ای شود که آزمون و خطای خود را با فراوانی معناداری در این سامان به انجام می رسانند و آن سوترک با جستی جانانه در جغرافیای کلان مرکز از نردبان تجربیات و کامیابی های شخصی خود بالا روند؟! و مهم تر این که مگر مردمان بوشهر چه فرض می شوند که مدام باید تاوان سنگین ناکارآمدی مدیران (ارشد) استان خود را باز پس دهند؟! مدیرانی که در یک بازه ی زمانی کوتاه و دستکم در دو دولت نهم و دهم بوشهر را بازیچه ی شبه تصمیمات سراسر احساسی خودکرده و می کنند...

روزی همین قلم به جهان بخش در بد ورود به ساختمان استانداری بوشهر شرط بلاغ را به فرموده ی شیخ اجل سعدی واگویه نمود که: «آقا! این جا بوشهر است. فرهنگسرای بزرگ جنوب!» اما توگفتی من گنگ خوابیده و عالم تمام کر... قدری قبل از او نیز شفقت، دوست دیگرش که مازنی های هم ولایتی اش حتا، کارنامه ی او را در عمر کوتاه مدیریتش مشروط می دانستند در اذهان مردم بوشهر ملقب شد به ضعیف ترین استاندار تاریخ بوشهر!!! و اکنون اما که بارقه های امیدواری و مشی مدبرانه جامعه ی ایرانی را در برون رفت از پیچ و تاب های پر مخاطره ی اقتصادی– سیاسی– فرهنگی و اجتماعی، در برگرفته است و امیدهای رفته برباد شاید جانی دوباره به خود گرفته باشند جای آن دارد تا خاطرات ماندگار دوره ی مدیریت مهندس تبادار به عنوان ناخدای این بوم قدیمی بازخوانده شود و برضرورت حضورش در کوشک استانداری بوشهر در یک بزنگاه حساس و زودگذر تاریخی در راستای مطالبه حقوق حقه ی مردم بوشهر، همراهی و همگامی لازم معمول گردد.



ناگفته پیداست که نگاهی به آمار و ارقام و شاخص های پذیرفته شده ی توسعه ی یک کشور خاصه استان بوشهر در این چندساله حکایت از واقعیات تلخ و ناخوشایندی خواهد داشت که هر چشم بینا و نگاه منصفی را سخت نگران می کند...! گواه این کلام همگان می دانند که موسیقی بوشهر در توسعه ی فرهنگی و جاذبه های گردشگری بوشهر، حکم شناسنامه و معرفی نامه ای معتبر و پرافتخار را دارد که از گذشته های دور نیاکان این جغرافیا در تاریخ دل به ساز و آواز سپرده است؛ اما در این برهه ی اخیر برای برپایی یک کنسرت در بوشهر تا چه میزان مشکلات واهی بازتولید شده اند و با برخوردهای دگم و کاملا سلیقه ای (بخوانید بی سلیقه) هنرمندان این عرصه را ناگزیر به اجرای برنامه در شهر و دیاری دیگر نموده است...!

جایی آورده شده بود که شمار کنسرت های موسیقی و تماشای تئاتر یکی از پارامترهای اصلی رویکرد فرهنگی دولت ها می تواند باشد! حال در جامعه ای چون بوشهر که موسیقی غنی و اهالی خوش ذوق و علاقمندی را در هر کوی و برزن آن می توان یافت، تا چه اندازه مجال نشو و نما فراهم شده است؟ اما در دوره ی مدیریت آقای تبادار اهل موسیقی به یاد دارند که برای نخستین بار جشنواره ی موسیقی محلی بوشهر آغاز شد و چه کنسرت های موسیقی ملی و پاپ و ...که گاه با حضور بزرگان این رشته در بوشهر برگزار می شد... این قلم خوب به یاد می آورد در نشستی، تبادار از شروه و یزله و خیام خوانی به گونه ای سخن می گفت که گویی با تمام وجود به شروه ها و آواز های موسیقی بوشهر گوش فرا می دهد و با «نیمه های» جاشوان بوشهری است که به قول خودش به معنای شورانگیز زندگی پی می برد!!!

اهالی قلم نیز به خاطر می آورند که برخانه ی مظلوم مطبوعات مستقل چه ها که گذشت و فریادهای یونس قیصی زاده چگونه در کوهستان خشکیده ی کژفهمی و کژانگاری ها، به دفتر هفته نامه اش بازتاب داده می شد!؟ و این درست در حالی است که یکی از دوران های طلایی و پر تلالو نویسندگان مطبوعات بوشهر در چند جشنواره ی ملی مطبوعات کشور در دوران مهندس تبادار اتفاق افتاد و هنوز به یاد می آوریم تقدیر و تکریم اهالی فرهنگ و هنر این استاد را در محل دفتر کار آقای استاندار تا از این راهگذار برایش مهم در نظر آیند اهالی فرهنگ و هنر... قطعا و بی تردید دیگر فعالات عرصه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم بر این کلام صحه خواهند گذاشت که یکی از روزگاران خوش کار و بارشان در دو سه دهه اخیر مربوط به حضور تبادار در عمارت استانداری بوشهراست.

پرداختن به تمامی زوایای اجرایی– عمرانی و توسعه ی بیش از پیش بوشهر عزیز از حوصله ی این نوشتار خارج است اما همین ما را بس که از دولت تدبیر و امید انتظار می رود تا با نگاهی امیدوارانه و تصمیمی مدبرانه بار دیگر تبادار را برای یک بوشهر با همه ی عظمتش باز گرداند و با درک ضرورت حضورش در مقطع کنونی کلید عمارت را به دستش بسپرد تا روی و روال خفته ی فرهنگ و اقتصاد، تولدی دیگر یابد و بر نام بالا بلند بوشهر بی نشاطی بهار را و خفتگی دریا را نظاره گرنباشیم و باز گل ابریشم های پیر و کهنسال همین کوچه های خسته را و مشعل جنگل های زخم خورده ی شهر و دیارمان را به بزمی خوش گره زنیم و گوش جان بسپاریم به رباعیات جان بخش خیام که:

آنان که محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند...

رئیس شورای اسلامی شهرستان عسلویه :

از دولت روحانی انتظار داریم برای رفع مشکلات مردم عسلویه همت نماید



رئیس شورای اسلامی شهرستان عسلویه در مصاحبه با نسیم جنوب در خصوص الحاق استان فارس به دریا گفت: در سالهای گذشته مسئولان استان فارس تلاش کرده اند جهت توسعه بیشتر این استان به خلیج فارس راه پیدا کنند و این کار را با جدائی قسمت هائی از استانهای بوشهر یا هرمزگان صورت دهند اما ما معتقد هستیم که چهارچوب و تمامیت ارضی همه استان ها حفظ شود و مسئولان استان فارس باید راه های دیگری برای توسعه این استان بیاندیشند.

علی دریانورد با اشاره به ارتقاء عسلویه به شهرستان در دولت دهم گفت: در دولت آقای احمدی نژاد عسلویه از یک روستا به یک شهر و بالاخره به عنوان مرکز شهرستان عسلویه انتخاب گردید که این ارتقاء می تواند در محرومیت زدایی این منطقه نقش به سزایی داشته باشد، از دولت روحانی نیز انتظار داریم برای رفع مشکلات مردم این شهرستان همت نماید.

رئیس شورای اسلامی شهرستان عسلویه در حمایت از استاندار پیشنهاد شده از سوی اقشار مختلف مردم استان بوشهر گفت: آقای مهندس تبادار با توجه به این که قبلا مدیریت ارشد استان را برعهده داشته است و آشنایی کافی و وافی به همه نقاط استان و خصوصا شهرستان عسلویه دارد، لذا در صورت انتصاب به عنوان استاندار بوشهر در دولت یازدهم، می تواند برای رشد و توسعه استان و شهرستان عسلویه مفید و موثر باشد.

دریانورد با اشاره به تعامل مثبت دوران استانداری مهندس تبادار با وزارت نفت و پارس جنوبی افزود: به خاطر این که صنایع عظیم نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه عسلویه فعالیت گسترده ای دارند لذا تعامل استاندار با وزیر نفت می تواند نقش عمده ای در توسعه شهرستان عسلویه ایفا نماید.



نقشه محلات و برج و باروی بوشهر در سال ۱۸۵٦ میلادی

حصار شهر در دو بخش انتهایی خود و در کنار دریا به دو برج می‌رسیده و در وسط دارای دروازه‌ای بوده که به میدانچه‌ای در درون شهر باز می‌شده است و از این میدان و از طریق کوچه‌های تنگ و باریک راه‌هایی به بازار، بندر، بخش حکومتی و مراکز محله‌ها متصل می‌شده است. این حصار در دوره قاجاریه در سال ۱۲۳۴ شمسی تخریب گردید و در زمان رضاشاه به کلی از میان برداشته شد و خیابان لیان به جای آن قرار گرفت.



ناصر بوهندی رییس شورای دهستان زبار – شهرستان عسلویه :

تجربه مهندس تبادار و تعامل با نفت می تواند منطقه عسلویه را متحول کند



ناصر بوهندی رییس شورای دهستان زبار – شهرستان عسلویه در خصوص انتخاب استاندار بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب گفت: بعد از لبیک گفتن به فرموده های مقام معظم رهبری و خلق حماسه سیاسی در ۲۴ خرداد و اقبال بی نظیر مردم در پای صندوق های رای که حاکی از حماست سیاسی نظام قائم و ولایت مداری استان بوشهر بود و بر طبق نظرسنجی های انجام شده به نظر می رسد انتخاب آقای مهندس تبادار به عنوان نماینده عالی دولت در استان بوشهر یک انتخاب شایسته خواهد بود. گرچه ما به عملکرد دولت تدبیر و امید بسیار خوش بین هستیم.

ناصر بوهندی با اشاره به تجربه موفق مهندس تبادار در دوره استانداری خود با پارس جنوبی اظهار داشت: مطمئنا تجربه مهندس تبادار و آشنای ایشان با ریز مشکلات عسلویه بیش از هشت سال گذشته و اهمیت عسلویه در برنامه های مهندس زنگنه وزیر نفت، در صورت استانداری دوباره مهندس تبادار می تواند این منطقه را متحول سازد و به عنوان الگویی از توسعه مناطق نفتی مطرح شود.

وی با اشاره به مشکلات شهرستان عسلویه گفت: متأسفانه با توجه به فاصله شهرستان عسلویه از مرکز استان توجه در همه دولت ها نسبت به این منطقه ضعیف بوده است، مردم این مناطق همیشه مرزداران بیدار و با غیرتی در حفاظت از خلیج فارس بوده و هستند و علیرغم همه ناملایمتی ها به استان ولایتمدار بوشهر عشق می ورزند. در عسلویه سرمایه گذاری های نفتی فوق عظیمی صورت گرفته اما در بخش عمرانی ضعیف عمل شده است. در هشت سال اخیر شاهد دگرگونی ها و دستاوردهای زیادی در این منطقه از جمله افتتاح پروژه های عمرانی بودیم و به جرأت مهم ترین اتفاقی که رخ داد تشریف فرمایی پربرکت مقام معظم رهبری در هر منطقه که بی نظیر بود. امیدواریم در سالهای پیش رو پیشرفت چند برابر شده و توجه ویژه به مردم عسلویه علی الخصوص از نظر محیط زیستی شود.

ناصر بوهندی با اشاره به طرح الحاق فارس به دریا گفت : شهرستان عسلویه هم اکنون با استان فارس و هرمزگان همجوار است و در صورت الحاق بخش هایی از هرمزگان– فارس– عسلویه و استان بوشهر مرز مشترکی با استان هرمزگان نخواهد داشت. با توجه به ارتباط فرهنگی بسیار قوی بین این مناطق امیدواریم آرامش این منطقه به هم نخورد. هدف استان فارس سرمایه گذاری و اتصال به دریا عنوان شده است. اما منطقه ای که جهت سرمایه گذاری و الحاق در نظر گرفته شده در محدوده پارک ملی دریایی نایبند می باشد و طبق قانون امکان دخل و تصرف و ساخت اسکله های عظیم و سرمایه گذاری های صنعتی و تجاری میسر نیست.

یک بوشهری رئیس جبهه اصلاح طلبان کشور شد

جبهه اصلاح طلبان کشور در نشست اخیر خود دکتر محمد جواد حق شناس را به عنوان رئیس خود برگزید. دکتر حق شناس اهل استان بوشهر بوده و سوابق معاونت وزیر ارشاد، مدیرکل سیاسی وزارت کشور و مدیر مسئولی روزنامه اعتماد ملی در کارنامه خود دارد.
وی عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی نیز می باشد.

زاد روز یگانه ی دوران ، مهربان سراینده عشق، شفیعی کد کنی ، گرامی باد...
خورشید گلویش هماره گرم و فروزان باد .



آه شبانه

دست به دست مدعی شانه به شانه می روی
آه که با رقیب من جانب خانه می روی
بی خبر از کنار من ای نفس سپیده دم
گرم تر از شراره ی آه شبانه می روی
من به زبان اشک خود می دهمت سلام و تو
بر سر آتش دلم همچو زبانه می روی
در نگه نیاز من موج امیدها تویی
وه که چه مست و بی خبر سوی کرانه می روی
گردش جام چشم تو هیچ به کام ما نشد
تا به مراد مدعی همچو زمانه می روی
حال که داستان من بهر تو شد فسانه ای
باز بگو به خواب خوش با چه فسانه می روی؟

بزرگ ترین مصیبت برای یک انسان این است که نه سواد کافی برای حرف زدن داشته باشد، نه شعور لازم برای خاموش ماندن!
ژان دلابرویه